

فرمایشات

# شاهنشاه آریامهر

در جلسه تاریخی روز هشتم دی ماه ۱۳۴۹

و گزارش

امیرعباس هویدا نخست‌وزیر

و

خداداد فرمانفرمائیان مدیر عامل سازمان برنامه



052  
110117



۵۲۸

فرمایشات

# شاهنشاه آریامهر

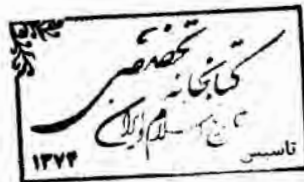
در جلسه تاریخی روز هشتم دی ماه ۱۳۴۹

و گزارش

امیرعباس هویدا نخست وزیر

و

خداداد فرمانفرمایان مدیر عامل سازمان برنامه





کتابخانه تخصصی  
تاریخ اسلام و ایران  
تاسیس  
۱۳۲۶







روز هشتم دی ماه ۱۳۴۹ بعنوان روزی فراموش ناشدنی در تاریخ سازمان برنامه ثبت شده است زیرا در این روز در ساعت ده بامداد، شاهنشاه آریامهر باتفاق علیاحضرت شهبانوی ایران به منظور تعیین خطمشی برنامه پنجم عمرانی کشور به سازمان برنامه تشریف فرما شدند.

در جلسه تاریخی روز مذکور، اعضای هیئت دولت - روسای مجلسین - وزیر دربار شاهنشاهی - رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران - رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران و فرماندهان نیروهای سه گانه شاهنشاهی و همچنین مسئولان سازمان برنامه افتخار حضور داشتند.

پس از سخنان آقای نخست وزیر که متن آن در این مجموعه چاپ شده است مدیرعامل سازمان برنامه گزارشی در مورد تحولات اقتصادی واجتماعی ایران طی ۲۲ سال گذشته و پیش بینی جامعه و اقتصاد ایران طی ۲۲ سال آینده چنانکه از راهنمایی های ملوکانه و اصول منشور انقلاب شاه و مردم استنباط میشود بعرض شاهنشاه رسانید و ارشاد اعلیحضرت همایونی را در هر مورد و خصوصاً درباره خطوط اصلی وهدف های عمده برنامه پنجساله پنجم عمرانی مسئلت نمود. متن این گزارش نیز در این مجموعه بچاپ رسیده است.

آنگاه شاهنشاه آریامهر در بیانات تاریخی خود که در حدود یکساعت و نیم ادامه یافت بعنوان مظهر امیدها و آرزوهای ملت ایران نمای کلی سیاسی اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی ایران را طی سال های آینده ترسیم فرمودند و سیاست های اساسی برنامه پنجم و برنامه بیست ساله را تعیین نمودند که متن آن عیناً زیب این مجموعه گردیده است.



سازمان برنامه امیدوار است که با انتشار این مجموعه، خاطر همگان را بلزوم تمرکز قوی و اشتراك مساعی در راه پیشرفت و اعتقاد ایران عزیز که بی تردید آینده‌ای درخشان در تاریخ جهان خواهد داشت معطوف بدارد. بی‌شبهه این مجموعه نه فقط راهنمای طراحان برنامه عمرانی پنجم و مسئولان اجرای آن برنامه خواهد بود بلکه برای همه متفکران آینده آئینه‌ای از اندیشه‌های خیرخواهانه و اصلاح‌جویانه رهبر ملت ایران در این مرحله مهم از تکامل کشور ارائه خواهد کرد.



فرمایشات

شاهنشاه آریامهر



بسیاری از مطالبی را که راجع به بیست سال گذشته بود هم نخست وزیر توضیح داد و هم اشارات و در بعضی مواقع تصریحاتی راجع به برنامه بیست ساله آینده شد. بخصوص مدیرعامل سازمان برنامه توضیحاتی داد که البته روشن کننده و منعکس کننده کلیه هدفها و آرمانهای ما است. ولی شاید لازم باشد در بعضی جهات کنجکاوی بیشتر و تصریح بیشتری بکنیم تا مطالب بطور واضح تر و بیشتر حلای شود. البته میدانید در هر موقعی بخصوص پس از جنگهای بزرگ دنیائی خصوصیتی بوجود میآید و بعد از خاتمه آن تحولاتی هم در فکر و هم در اجتماع مردم دنیا پدید میآید که یا عکس العمل سختیهای جنگ است یا عکس العمل پیشرفتهای فنی و تکنولوژیکی است که در حین جنگ پیدا میشود و پس از آن تکمیل میشود. مملکت ایران که قبل از شهریور ۱۳۲۰ به نسبت آنروز و به نسبت گذشته خودش در میان ملل این منطقه و حتی در اذهان عمومی دنیا مشهور شده بود که مملکتی است در حال ترقی، مملکتی است در راه استقرار، مملکتی است امن (و این مطالب را آن کسانی که یادشان هست بخاطر دارند و جوانترها هم بتدریج شنیده اند) بخاطر الزامات جنگ و موقعیت سوق الجیشی خودش بی رحمانه پایمال شد و تامدتی با وجود ظاهر استقلال و داشتن همین رژیم مشروطیتی که ما الان داریم و



پاداشتن پادشاه و دولت و مجلسین معمه‌ها در مدت اشغال در واقع بازچه دست سیاستهایی بود که این مملکت را اشغال کرده بودند و علت اشغال ایران ضعف نظامی آن بود که در نتیجه آن قادر نبود طوری از خودش دفاع بکند که برای متجاوزگران تمام بشود و حتی آمادگی و فکر آماده بودن برای دفاع خودش را نداشت که سیاست تخریب و آتش زدن و خراب کردن مملکت خود را برای محروم کردن اجنبی از استفاده از امکانات موجود بتواند عملی کند. مثلاً اگر ما يك چنین سیاست دفاعی داشتیم (البته به این مطالب من در گذشته هم اشاره کرده‌ام) و اگر این مملکت میبایستی بعنوان راه ارتباطی مورد استفاده قرار بگیرد میبایستی پل‌های این مملکت، تونل‌های این مملکت و گره‌های مواصلاتی این مملکت مین‌گذاری و بموقعش تخریب میشد. استفاده از نفت این مملکت که مورد احتیاج بود میبایستی با همین نوع پیش‌بینی‌ها برای يك متجاوز و متعرض قدغن میشد و هكذا. این میرساند که مملکت ایران که قبل از شهریور در حال پیشرفت و ترقی بود (و این امری نیست که کسی در آن تردیدی بکند) بعلمت ضعف قوای نظامی دچار چنان پریشانی شد که نماینده مملکت اجنبی میرفت پیش رئیس دولت و لیست وکلای را که میبایستی انتخاب بشوند به او تسلیم میکرد. ستون‌های پنجمی

که در این مملکت ایجاد شد بعنوانین مختلف و به اسامی مختلف صرفاً برای ایجاد تفرقه و تضعیف حکومت مرکزی عمل میکردند، زیرا قدرت حکومت مرکزی برخلاف منافع اشغالگران و کسانی که قصد استفاده و استثمار این مملکت را داشتند بود، یعنی باید در این مملکت اصول فتوئدالیه برقرار میبود یعنی در این مملکت میبایستی ارتجاع سیاه نه فقط نزدیک بین ولی کور و دور از جریانات دنیا قدرت میداشت، میبایستی که بساط خانخانی و ایل بازی و رساندن تفنگ و مهمات بدست سران عشایر و آلت کردن آنها برای مقاصد دیگران ادامه و تقویت میشد، میبایستی که در زمینه صنعت پیشرفت نمیشد و در آن صنعتی هم که وجود داشت بعلت برقراری روابط ناراحت و بد میان کارگر و کارفرما همیشه طبقه کارگر جنبه استثمار شده داشته باشد و در ته قلب ناراضی باشد. البته میتوانم این مثالها را بتمام سطوح مختلف طبقات این مملکت توسعه بدهم و برای هر کدام یک مثلی بزنم تا روشن شود که چطور سعی میشد محیط ناسالمی در این مملکت برقرار باشد. اما درباره جنگ و اثرات آن بیاید بگویم که بخصوص جنگ بین المللی دوم اثرات عمیقی در روحیه افراد مخصوصاً در ممالکی که حس تسلط اجنبی و حس استثمار شدن بوسیله اجنبی را داشتند پدید آورده و عکس العمل



شدید و در واقع تب حادی ایجاد کرده بود.

مملکت ما از این وضع مستثنی نبود. خوشبختانه تبی که در مملکت ما ایجاد شده بود تب يك ناسیونالیسم مفرط بود. عقده اینکه مملکت ایران ظالمانه و بدون دلیل اشغال شد و آن صدمات را دید بوسیله يك عکس العمل ملی میخواست بهر صورتیکه بود ظاهر بشود. اینرا اجنبی هم فهمید و بهترین راهیکه پیدا کرد این بود که این احساسات پاك ملت ایران را بوسیله افراد برگزیده خود و آنهم در مورد نشان دادن عکس العمل نسبت به استثمار نفت این مملکت بوسیله خارجی منحرف سازد، و مجریان آن دستور طوری نه فقط ناشیانه ولی حتماً بطور عمد رفتار کردند که مفتضحترین شکست اقتصادی را در آن برنامه خوردند. برای اینکه این روح ناسیونالیسم ایران احیاناً لطمه و صدمه ببیند کسانی که آن ادعاها را میکردند آخر سر مجبور شدند که در چاهها را ببندند و چون پول نداشتند اگر حافظه ام صحیح باشد سالی ۳۰۰ میلیون تومان بیول آنروز اسکناس بدون پشتوانه چاپ بکنند تا فقط حقوق افرادی را که در صنعت نفت مانده بودند و کار نمیکردند بپردازند. این کار را همان کسانی کردند که سالهای تمام موقعیکه دولتها میخواستند بمقدار طلا و ذخائریکه در

---

بانك داشتند مقدار اسكناس رایج را زیاد بکنند با آن مخالفت میکردند و مانع پیشرفت صنعتی و اقتصادی و مالی این مملکت میشدند. از همان زمان معروف و مشهور بود که يك اتحاد به اصطلاح معروف توده‌ای نفتی ایجاد شده بود و این درست نماینده اشتراك منافع دو قطب مختلف برای منظور معینی در این مملکت بود و ما این اتحاد مضحك را چندین دفعه بعد تجربه کردیم. در مرحله بعد در انقلاب بزرگ ایران در سال ۱۳۴۱ اتحادی بوجود آمد که من بر آن اسم اتحاد نامقدس سرخ و سیاه گذاشتم که همه شما در این هفته اخیر باز هم مظاهر مفتضح و شکست خورده (البته باهدف خطرناك) آن را شنیدید و یاروی پرده تلویزیون دیدید.

در مقابل این گذشته برای ما ایرانیها چه چاره‌ای باقی میماند؟ آنکه اجتماع ایران را از تمام نقاط ضعفی که میتواند به توسط دشمن ایران مورد بهره‌برداری قرار بگیرد خلاص و پاك بکنیم.

بر این اساس مواد اول ششگانه انقلاب ایران بمعرض تصویب ملت ایران گذاشته شد و خاطرتان هست که مردمیکه در آن روز حق رأی داشتند (چون هنوز زنها در آن روز این حق را نداشتند) باچه شور و شوق



و باچه هیجانی در این امر شرکت کردند و بعد این شش ماده بوسیله شش ماده دیگر تکمیل شد. ببینید مملکتی که در ۱۳۴۱ در معرض خطر آن اتحاد نامقدس بود یکمرتبه در عرض این چند سال از کجا یکجا رسید، ارقام شاید بهتر از هر چیزی گویا باشند. به این ارقام مراجعه کنید، میگویند که در برنامه سوم رشد ایران بقیمت ثابت هشت درصد بود و در برنامه چهارم (در این سه سال اول) رشد ایران باز بقیمت ثابت ده درصد بود. مقایسه کنید این رشد را با رشد يك مملکت دیگری که آنهم رشدش به اعتراف همه حیرت آور است و البته باعث خوشوقتی ماست، منتهی بعضی اوقات شاید این مطالب ذکر نمیشود که این رشد ما باوجود تخصیص اعتبارات (البته نمیگویم کافی بلکه آن چیزیکه در حدود مقدمات ما بود). برای تقویت قوای تأمینیه این مملکت انجام گرفت و شاید مخارج ایران در قسمت قوای تأمینیه اش بین پنج تا هفت درصد تولیدات ملی خودش بوده است در صورتیکه آن مملکت دیگری را که با ایران تاحدودی مقایسه میکنید تا سال گذشته مخارج دفاعیش از  $7/0$  الی  $8/0$  درصد تولیدات ملی اش بیشتر نبوده است. رشد ما باوجود نداشتن تعداد کافی کارگران فنی بخصوص در قسمت کشاورزی بدست آمده است. رشد ما در مملکتی انجام شده است که متأسفانه



از لحاظ بارندگی در مزیقه است. چند سال پیش اصلا ما يك دوره طولانی و غیر قابل تصور خشکسالی داشتیم، و متأسفانه در دو سال پیش هم که بارندگی زیاد شد دچار سیل و خسارتهای دیگر شدیم. با وجود این‌ها ما به این حد رشد رسیدیم. يك مطلب دیگر که باید اضافه بکنم اینست که در مورد آن ممالکی که اینطور زباززد عام هست که برشد فوق‌العاده‌ای رسیده‌اند رسیدگی کنید و رقمش را هم منتشر بکنید که بدانند در آن ممالک سرمایه‌گذاری خارجی بچه حدی رسیده است. میلیاردها دلار چه در آن مملکت آسیائی و چه در آن ممالک دیگر اروپائی که خوب رشد و ترقی کرده‌اند سرمایه‌گذاری شده است. آنها مهندسين و متخصصين و کارگران فنی خودشان را در عرض این دوسه سال تربیت نکرده‌اند، این عده موجود بودند، اضافه بر آن سرمایه‌گذاری بی‌حد و حصر خارجی بعمل آمد. باز هم اضافه بر آن از يك عدالت اجتماعی قابل‌تحسینی برخوردار بودند و در مورد یکی از آنها بخصوص مخارج دفاعی همانطور که گفتم از ۷/۰ درصد تولیدات ملی تجاوز نمیکنند. چه چیز باعث این رشد عجیب و چشمگیر ایران شده است؟ میخواهم بگویم که این فقط در اثر اجرای مواد دوازده‌گانه انقلاب اصیل ایران بوده است که در نتیجه آن هرکسی در هر طبقه‌ای مشوق غیر عادی و فوق‌العاده‌ای



برای کار و پیشرفت پیدا کرده بود.

در این چند سال (شاید در این اظہار زیادہ روی بکنم، زیرا چند روزی در چند سال پیش در کارخانجات اصفہان کار متوقف شدہ بود برای اینکہ کارخانہ قدیمی ورہ شکستہ ای نمیتوانست حقوق کارگرش را پردازد) شاید یکساعت کارگر ایرانی دست از کار نکشید. چرا؟ برای اینکہ آن حس استثماریکہ قبلا میکرد بوسیلہ شریک شدن تابیست درصد در منافع کارخانہ برای او تبدیل بہ حس یکنوع شرکت در حفظ کارخانہ و در پیشبرد ہدفہای کارخانہ و پیشبرد تولیدات کارخانہ شد. زارع بیشتر کار کرد برای اینکہ دیگر برای خودش کار میکرد. آن اصطلاح معروف زارعی را در مراغہ بمن گفت «مثل اینستکہ من از نو بدنیا آمدہ باشم» نمیخواہیم دائم تکرار بکنیم، ولی امر مبرهن اینستکہ زارع ایرانی از آن وضع فئودالی و ارباب و رعیتی بصورت یک فرد آزاد درآمد. فردیکہ میدانست ما حاصل رنجش مال خود او است و البتہ در این بین بوسیلہ مروجین کشاورزی شرکتہای تعاونی و تازگیہا شرکتہای سهامی زراعی در پیشرفت کارش بوسیلہ دستگاہہای دولتی کمک میشد. البتہ طبقات دیگر از پیشرفت کارگر و زارع و قدرت اضافی خرید

او ثمر میبردند، فروششان بیشتر میشد، کسبشان بیشتر میشد. سرمایه‌دارهای ایرانی که شاید قبل از آن بعنوان اینکه پولهایشان را در بانکهای خارج پنهان میکنند مورد طعن و سرزنش قرار می‌گرفتند اینطوریکه شنیده‌ام نه فقط پولهای داخلی خودشان را روی اصل اعتماد به استحکام جامعه ایران بکار انداخته‌اند، بلکه پولهایی را هم که در خارج داشتند به ایران آورده‌اند، چون مسلماً منفعتی که در اینجا می‌توانستند ببرند بیش از منفعی بود که در یک مملکت خارجی ممکن بود عایدشان بشود. در مملکت خارجی دیگر آنان مصونیت پنجساله مالیاتی نداشتند و میبایستی هر منفعتی که می‌بردند مالیاتش را بپردازند. ولی اینجا تا پنجسال مسلماً از پرداخت مالیات آزاد بودند. سایر کمک‌هایی که دولت برای حفظ و حراست صنایع جوان ایران انجام میداد، و سایر مظاهر انقلاب ما که همه‌اش بر اصول عدالت اجتماعی است چنان استحکامی بجامعه ما داده بود که ایران در تمام دنیا بعنوان جزیره ثبات و یادریای آرامش نام برده میشد، و بهر صورت هرکسی به سلیقه خودش اسمی که معرف استحکام وضع ما بود بجا میداد. بدین ترتیب مملکت ما به این پیشرفتها نائل شد؛ البته حسودها، کسانی که میدیدند دوازده ماده انقلاب ایران در داخله ما چه اثری داشته است و احیاناً ممکن است



شهرت این پیشرفت‌ها بجاهای دیگر برسد از این وضع ناراضی بودند، زیرا مردم اگر چشمشان باز باشد میتوانند مقایسه بکنند و بالاخره برای خودشان نتیجه‌گیری بکنند. کسانی هستند که فقط دنبال مرام میگردند. ولی ما دنبال مرام نمیگردیم، ما دنبال طریقی میگردیم که بیشتر و بهتر بتواند به مملکت ایران و به ملت ایران خدمت بکند و مفید باشد و در این تلاش غالباً آنچه کرده‌ایم فقط زاده تتبع و فکر خود ما بوده است. در قسمت‌های فنی و تکنولوژی البته ما از سایرین اقتباس کردیم و شرط عقل هم همین است که کاری را که سایرین با سالها مطالعه و صرف مبالغ هنگفت و معتنا بهی برای پیدا کردن جوابهای تکنولوژیک برای مسائل فنی، انجام داده‌اند ما بدون زحمت، بدون خرج، و شاید فقط با پرداخت آن قیمت ایسانسی که آنها بطور کلی روی قیمت‌هایشان میکشند و سالهای سال طول میکشد تا مستهلك بشود بصورتی تجربه شده و امتحان شده اقتباس بکنیم، ولی آن چیزی را که مربوط به اجتماع ایران و منطبق باروحیه ایرانی و تاریخ ایران و وضعیت جغرافیائی ایران است ما از کسی اقتباس نکردیم، و این قدرت ما است، برای اینکه اقتباس کردن این چیزها يك نوع اسارتی است در مقابل آن کشور یا آن ایدئولوژی که ما از آن اقتباس میکنیم و در آنصورت

باید همیشه دنباله‌رو دیگران باشیم، در صورتیکه می‌بینیم تکنولوژی و ترقیات فنی و صنعتی امروز (ایسم) های قدیمی را بکلی تحت الشعاع قرار داده است. قدرت انقلاب ایران اینست که خود من، یعنی پیشنهاد کننده این انقلاب بشما می‌گویم چه بسا بعضی از این دوازده ماده در سالهای آینده باید تغییراتی پیدا بکنند.

البته فلسفه کلی ما تغییر نخواهد کرد، برای اینکه دنیا به قهقرا برنمیگردد، یعنی اگر ما جنگلها را ملی کردیم در آینده این جنگلها دوبرتبه بین افراد و سرمایه‌دارها تقسیم نخواهد شد. یازمینهای که بین دهقانها تقسیم شده است دوبرتبه به مالکیت فردی بزرگ تبدیل نخواهد شد، بلکه حد اکثر یادر تعاونیها جمع میشود یا در شرکتهای سهامی زراعی. آبهای این مملکت را که ما ملی کردیم بعد دوبرتبه بهر فردی تقسیم نمیکنند که این حوض مال تو آن چاه مال تو. آن رودخانه مال این و هکذا...

همچنین راجع به مراتع و فلسفه کلی که صنایع سنگین باید متعلق بجامعه باشد و بوسیله دولت که نماینده جامعه است اداره بشود یعنی در آینده صنایع نفت ایران تقسیم بیک عده سهامدار نخواهد



شد، و همچنین ذوب آهن صنعت ملی ایران بدست افراد یعنی به بخش خصوصی سپرده نخواهد شد. ولی خیلی چیزهای دیگر هست که امروز مورد عمل ما است و فردا لازم است بر اثر تغییرات شگرفی که تکنولوژی مدرن در این شئون وارد کرده است آنها هم خود را با این ترقیات تطبیق بدهند. برای اینکه زیاد در این مباحث وقت صرف نکنیم مطالب را در این قسمت خلاصه میکنیم که برنامه ریزی همیشه برای يك هدف و مقصودی است. برنامه ریزی ما در برنامه پنجساله پنجم چه هدفی میتواند داشته باشد؟ البته اینجا ذکر شد که انجام خدمات بیشتر بمردم یعنی مدارس بیشتر - بیمارستانهای بیشتر - درمانگاههای بیشتر - این یکنوع خدماتی است خدمات دیگری هست که ظاهراً بچشم نمیرسد و لی آنها بهمین اندازه مهم است، از قبیل تأسیس کتابخانه و نشان دادن فیلمهای خبر و آموزشی و برنامه های تلویزیونی که مردم را روشن بکند. این خودش خدمت بزرگی است. موضوع موزه های مختلف یعنی ارائه فرهنگ ملی ایران بمردم و موضوع ساختمان مسکن، اینها نیز خدماتی است که نباید فراموش بکنیم، و همچنین وسائل تفریحات سالم اردوگاهها یادربل دریا یادركوهستان - طبقات مختلف این مملکت باید وسیله آنها داشته باشند که تعطیلات را باراحتی و آسایش بگذرانند و برنامه های ما باید این باشد که

تشکیلات مملکتی بطور مرتب و منظم وسایل این کار را برای افرادی که داوطلب استفاده از این اردوگاهها هستند فراهم کنند، و اصولاً سایر طبقات مردم نیز که در دولت نیستند بطوریکه حس میکنیم و می بینیم روز بروز باین موضوع بیشتر پی میبرند و اغلب آخر هفته را بگردش میروند و در تابستان در اولین فرصت خودشان را بنقاط کوهستانی یا بلب دریا می‌رسانند. ولی برای انجام این خدمات از هر نوع و از هر قبیل که هم بخش دولتی بتواند این وظائف را انجام بدهد و هم بخش خصوصی رأساً بتواند باین نتایج برسد اصل اینست که درآمد باندازه کافی در مملکت ایجاد بشود. البته ممکن است گفت که برای ایجاد درآمد باید شما بیشتر سرمایه‌گذاری در قسمتهای تولیدی بکنید، برای اینکه تا تولید نباشد که درآمد نیست و بعکس اگر پولی که در قسمت تولیدی باید صرف بکنید این را صرف موزه و نمایشگاه و این کارها بکنید نقض غرض است.

باید ما اینجا حد متوسط دوکار را پیدا بکنیم، برای اینکه جامعه ما از لحاظ مادی باندازه‌ای ترقی کرده است که باید توجه بقسمت روحی و معنوی آن کرد، ولی سعی دائمی ما باید این باشد که بهر وسیله‌ای که شده پول بیشتری در زیر بنای اقتصادی مملکت بخصوص



از حالا ببعد در امر کشاورزی خرج نکنیم. بعید نیست همان پولهای کلانی که بعضی ممالک دیگر دنیا را به رشد اقتصادی فوق العاده‌ای رسانده است يك بازار باین محکمی و باین خوبی را تشخیص بدهد و کم‌کم باین مملکت هم سرازیر بشود. ولی سرمایه‌گذاری تنها کافی نیست. باید هرکسی از افراد ایرانی در هرکاری که انجام میدهد تبحر و تخصصی داشته باشد. پس موضوع آموزش، یعنی آموزش حرفه‌ای در قسمتهای صنعتی و آموزش دیگر در سطح دبیرستان و دانشگاه باید مورد توجه باشد. کاری که ما این اواخر شروع کردیم (و فکر نمیکنم که مردم باندازه کافی از آن اطلاع داشته باشند) رسیدگی و امتحانی است که ما بطور خیلی دقیق و موشکافانه‌ای اول البته در قسمتهای نظامی خودمان شروع کردیم بعنوان بازرسیمهای فوق العاده دقیق و فوق العاده مؤثر در استاندارد ارتش شاهنشاهی ایران. چون از لحاظ تعداد ما محدود هستیم و بهر صورت اسلحه ما اولاً که (اتمیک) نیست و نخواهد بود و در این صدد هم نیستیم، زیرا هر قدر هم اسلحه ما خوب باشد بالاخره بیشتر و برتر از بهترین سلاح‌های دنیا نخواهد بود. پس رفتیم روی این فکر که سطح استاندارد معلومات و وظیفه‌شناسی در نظام ما باید بحدود ممتاز برسد (از صد نمره هرکسیکه ۹۶ نمره بیاورد ممتاز میشود و



عالی از ۹۰ پائین نیست) باید باین حد برسیم و کم کم حتی درجات (خیلی خوب) و (خوب) برای ما دیگر قابل قبول نخواهد بود. ممکن است سال اول و دوم يك ارفاقی بشود ولی بالاخره هدف اینست که سطح نظام ما بیک چنین استاندارد فوق العاده ای برسد. این نوع امتحانات و بازرسیها در وزارتخانه ها هم شروع شده است و فکر میکنم ادامه این کار چنان تحولی در دستگاههای اداری ما بوجود بیاورد که قسمت عمده اصل انقلاب اداری ما خود بخود بهمین وسیله انجام بگیرد چون (چک لیست) هائی که ما می گیریم هم معلومات افراد را معین میکند و هم طرز انجام وظیفه آنان را، و ما در انقلاب اداری خودمان در واقع همین را میخواستیم. وقتی که بیایند بما گزارش بدهند که فلانی اصلاً معلوماتش نسبت بآن کار تخصصی خودش پائین است یا بگویند آدمی است که مرتب سر کارش نیاید یا سنگین است یا بامردم بایی حوصله گی رفتار می کند فوراً نمره اش برای ما روشن میشود. بنابراین سرمایه گذاری خودمان در قسمت صنعتی و بخصوص کشاورزی توأم با انقلاب اداری و تخصص پیدا کردن روز افزون افراد ما در کار خودشان، و احیاناً سرمایه گذاریهای خارجی در این مملکت، بما اجازه خواهد داد که برنامه پنجساله پنجم خودمان را با عرضه کردن خدمات اجتماعی بصورتی غیر قابل مقایسه



با گذشته توأم بکنیم بطوریکه هم صنعت ایران پیشرفت بکند، هم کشاورزی ایران پیشرفت بکند، و هم مدرسه بیشتر - بیمارستان درمانگاه بیشتر - موزه بیشتر - کتابخانه بیشتر و تمام وسائلی که فرهنگ مملکت را بالا ببرد بیشتر ایجاد شود. موضوعی که لازم است خاطر نشان بکنم، گو اینکه در کتاب انقلاب سفید و در بعضی نطق‌های دیگر بکرات راجع بآن مطلب توضیح داده‌ام، اهمیت بیمه‌های گوناگون اجتماعی است اصطلاحی که بکار بردم این بود که يك ایرانی موقعی که بدنیا می‌آید تاموقعیکه از این دنیا می‌رود در تمام مراحل زندگیش و در سنین مختلف باید از مزایای بیمه‌ها بهره‌مند باشد، یعنی مثلاً اولیای يك طفلی که بدنیا می‌آید بپیش‌بینی لازم و پرداخت وجوه کاملاً قابل تحملی مثلاً مخارج تحصیلی این فرد را بیمه بکنند، و همچنین کسیکه مریض میشود بوسیله بیمه‌های اجتماعی در بیمارستانهای مربوط مداوا بشود و بخواست خدا بهبودی پیدا بکند. همچنین بیمه‌های عمر - بیمه پیری - بیمه از دست دادن عضو و سایر بیمه‌هایی که هست و خیلی‌ها هم عمل میکنند، ولی فکر میکنم که اگر ما بخواهیم این نوع عدالت اجتماعی را همگانی بکنیم و در سرتاسر مملکت توسعه پیدا بکند باید آنرا جزو سیاست عمومی خود منظور داریم و راهپایش را پیدا

بکنیم که چگونه دولت کارمندان خودش را بیمه بکند، چگونه کارفرما کارگران خودش را بیمه بکند، چگونه شرکتهای تعاونی - شرکتهای سهامی - سایر تشکیلاتی که جنبه شرکت و عمومیت دارد بطور عمومی خودشان را بیمه بکنند. همانطوریکه گفتم فکر میکنم در تحت هر رژیمی آینده بشریت و ترقی مجامع و جوامع بین المللی برگردد روی اصول و اساس شرکتهای تعاونی و بیمه های گوناگون اجتماعی که زندگی هر فردی را در تمام مدت عمرش تأمین و راحتی او را فراهم بکند.

در قسمت صنعتی، واحدهای ایران باید بیک سطح تولیدی از لحاظ مقدار و بیک سطح فنی از لحاظ اتوماسیون و باز هم بیک سطح فنی از لحاظ داشتن مهندسين و کارگران متبحر و متخصص برسند که تولید کارخانجات ایران یعنی قیمت فرآورده های ایران باقیمت های ممالک صنعتی رقابت بکند تا ما بتوانیم صنعت سالم و صنعت قابل رقابت با سایر ملل جهان پیدا بکنیم. این فقط موقعی ممکن خواهد بود که واحد تولیدی ما بهمان سطح برسد، یعنی از این چیزی که الان هست واحد تولیدی ما خیلی بالاتر باشد و متخصصینی که پشت ماشین ایستاده اند در کارشان تخصص داشته باشند و ماشین هم



ماشین آخرین سیستم باشد و اضافه بر این دو چیز دیگر را ما باید درست یاد بگیریم: یکی مدیریت است که هرچند بآن اهمیت بدهیم کافی نخواهد بود. خوشوقتیم که شنیدم صاحبان صنایع ما و شاید دیگران در صدد تأسیس یک مدرسه عالی مدیریت در سطح بین‌المللی در اینجا هستند که کار خوبی است. دیگر موضوع بازاریابی است و بآن اضافه میکنم موضوع بسته‌بندی - موضوع ارائه - موضوع نشان دادن و معرفی کردن محصولات خودشان نه فقط با دروغهای تبلیغاتی بلکه با جنس خوب که بالاخره شناخته میشود و مردم می‌شناسند و الا بعضی اوقات ما می‌بینیم اول یک کارخانه‌ای محصول خیلی خوبی در سطح بین‌المللی میدهد، ولی کم‌کم چون از حمایت دولت برخوردار شده یا اینکه رقیب کافی نداشته یا تقاضا بیش از تولید بوده کیفیت جنسش روز بروز تنزل میکند. پس در واقع از راه کمتر مصرف کردن پول برای تولید می‌خواهد منفعت بیشتری ببرد. این موضوع کم‌کم شناخته شده و معرفی میشود. چنین صنعتی صنعت شکست خورده‌ای است و بهر صورت محکوم بشکست است. در صورتیکه کار ما باید بعکس باشد واحد بزرگتر - تربیت کارگر ماهرتر - ارائه اجناس بهتر و چون روی مقیاس بزرگتر تولید میشود حتی المقدور ارزان‌تر - حمایت دولت از صنایع داخلی تا حدودی لازم و اجباری

بود برای اینکه این صنعت راه بیفتد، اما حمایت از يك صنعت مریض که جنسش را گران میفروشد و احیاناً تقلب میکند بکلی نقض غرض است. باین مناسبت این دستگاه جدید را بوجود آوردیم که یاصنایع جدیدی را از طریق دولت راه میاندازد یعنی تمام قسمتهائی را که باید دولتی بماند در حدود صنعت نفت و صنایع ذوب آهن، و مابقی را وقتیکه ایجاد کرد باید بمعرض فروش بگذارد. مدیرعامل اشاره کرد که در این مملکت باید صرفه جوئی و در واقع کنار گذاشتن پول در بانکها که بعد احیاناً تبدیل بخرید سهام بشود تشویق بشود. این درست است. ولی از طرف دیگر ما می بینیم که در این مدت بورس ایران بحالت خیلی ضعیفی باصطلاح معروف کرکر میکند. این مسئله ای است که باید بفهمیم چرا اینطور است؟ آیا هنوز این معرف اینست که مردم ایران بتشکیلات شرکتی اطمینان ندارند؟ یا اینکه این شرکتها خودشان را درست معرفی نکرده اند؟ یا اینکه همانطوریکه قبلاً گفتم هنوز اعتماد کافی ایجاد نشده است و در بیلانتهائی که داده میشود شاید کارخانجات سود حقیقی خودشان را نمیگویند، برای اینکه مردم فکر میکنند بااین پولشان اگر سهم کارخانه ایرا که ظاهراً فلان قدر درصد بیشتر منفعت نمیدهد نخرند در جای دیگر بیشتر منفعت میکنند، و متأسفانه این يك موضوعی



است که در اذهان است که کارخانجات ما خیلی بیش از آن چیزی که اظهار میکنند منفعت میکنند. بهمین جهت من به وزیر کار دستور اکید دادم که بهروسیله‌ای شده بفهمد سود کارخانجات ایران چقدر است که برآن اصل یکی از اصول اصیل انقلاب ایران که شرکت کارگراها تا ۲۰ درصد منافع کارخانجات باشد، بتواند بطور اطمینان بخشی هم از طریق خود من و هم از طریق خود کارگر قابل اعتماد و اطمینان باشد.

در آنصورت ممکن است مردم بیشتر سرمایه‌گذاری بکنند و سهام کارخانجات بیشتر خرید و فروش بشود، برای اینکه مسلم است در مملکتی مثل ایران که در حال ترقی است جنسی در آخر سال اگر خیلی خراب و مفتضح نباشد روی دست کسی باقی بماند، نمونه آن سیمانتان، قندتان روغن نباتی‌تان است که شاید کمبود آنها را هم داشته باشیم. سیمان کمبود داریم. قند هنوز وارد میکنیم گوا اینکه تقریباً بمرحله اشباع رسیده. روغن نباتی که خیلی کم داریم. بهر صورت تمام مصنوعات ایران را بقول معروف سردست می‌برند و بعضی‌هایشان هم راه خارجه پیدا کرده و صادر میشوند.

و اما سرمایه‌گذاری در قسمت کشاورزی، هیچ مملکتی موقعیت استثنائی و عالی ایران را از لحاظ سرمایه‌گذاری دولت در امر کشاورزی ندارد، چرا؟ برای اینکه اراضی بایری که زارع نداشته میتواند بوسیله شرکت‌های بزرگ یا بوسیله شرکت‌های بزرگ‌کشت و صنعت که دولت ایجاد بکند یا افراد خصوصی اداره شود. آنجا دیگر زارعی نبوده که بگویند استثمار میشود، آنجا ماشین است و کارگری که پشت ماشین می‌نشیند و همان مزایای کارگری را که در کارخانه کار میکند خواهد داشت، بلکه اصولاً حقوق بیشتری خواهد داشت، برای اینکه در ایران امروز کسانی که پشت تراکتور یا بولدوزر یا کمباین می‌نشینند حقوق‌های خیلی بالاتر روز می‌گیرند. آنها را هم میشود به وسیله‌ای بیمه کرد و مزایای خوبی برایشان قرار داد که زندگی خیلی مرفهی داشته باشند. ولی دولت اضافه بر سرمایه‌گذاریهای بزرگی که در امور کشت و صنعت روی مقیاس وسیع میتواند انجام بدهد، با بودن تعاونیها و بخصوص شرکت‌های زراعی میتوانند این سرمایه‌گذاری را بشکل ساختن شبکه‌های آبیاری تا حدود شبکه درجه چهار انجام بدهد. در ممالک دیگر شبکه درجه چهار ساختن بعضی اوقات اصلاً روی اصول مالکیت غیر ممکن است، ولی در اینجا وقتی ما شرکت سهامی زراعی داریم و مالکیت شرکت در









کار است این روی مقیاس زمینهای شرکت هیچگونه اشکالی برای شبکه سازی آبیاری نداریم. تعاونیهای ما هم اگر بتوانند خودشان در این امر آبیاری اقلایطوری مقرراتی وضع بکنند که برای دولت امکان ساختن شبکه‌های سه و چهار پیدا بشود کار خیلی عظیمی کرده‌اند. میل دارم وزیر اصلاحات ارضی باوزیر آب و برق در این موضوع مطالعه بکنند که آیا در شرکتهای تعاونی هم امکانی که در شرکتهای سهامی هست ممکن است بوجود آید یا خیر. اما این را هم بشما تذکر میدهم که ساختن يك سد فقط به عشق اینکه شما يك سد ساخته‌اید و آماده نکردن شبکه آبیاری آن يك نوع فانتزی است که برای کسانی که اول کارشان است شاید خوب است ولی دیگر امروز برای ایران معنی ندارد و لازم نیست.

ساختمان سدی که شما امروز نقشه‌اش را میکشید و شاید کشیدن نقشه سد تقریباً باندازه ساختمان خود سد طول میکشد باید توأم باشد باتمیه نقشه شبکه آبیاری، و همان موقعیکه شما يك سدی را شروع میکنید شبکه آبیاریش را هم شروع بکنید و در همان زمان هم آبریز این سد را از لحاظ فرسایش زمین تأمین بکنید. بوته است. درخت است. پاشیدن مالچ است هرسیستم جدیدی که امروز برای جلوگیری از

فرسایش زمین در تمام آبریز يك سدی لازم است باید همقدم با شروع ساختمان سد پیشرفت بکند، والا چه میشود؟ ما سدی ساختیم با اسم خود من در رودخانه دز که فکر نمیکنم بیش از هفت هشت سال از عمر آن بگذرد. امروز ۳۰۰ میلیون تن گل و لای بوسیله باران و شسته شدن زمین بوسیله سیل یا باران در این سد جمع شده، اگر بهمین مقیاس این وضع بخواهد ادامه پیدا بکند ۲۰ - ۳۰ سال دیگر این سد پر میشود. چه سدی؟ سدی که روز اول ۳ میلیارد و ۳۰۰ میلیون متر مکعب ظرفیت ذخیره آبش بوده و شاید هفتمین سد دنیاست، شاید یکی از اکونومیک ترین سدهای دنیاست، برای اینکه با يك حجم خیلی خیلی محدود بتون ریزی بارتفاع ۲۰۳ متر سه میلیارد و سیصد میلیون متر مکعب آب میتوانستید ذخیره بکنید، ۵۲۰ هزار کیلووات برق تولید بکنید و در حدود ۱۴۰ هزار هکتار زمین در زیر آن آبیاری بکنید.

چه زمینی؟ زمینی در خوزستان که هر محصولی که شما آنجا بکارید رکورد دنیاست. نیشکر بکارید مطابق گزارشی که بمن میدهند شاید ۱۲۵ تن نیشکر در هکتار محصولتان باشد که اقلاده درصد شهید و شیرینی دارد. این نیشکر یعنی ۱۲ و نیم تن حداقل شکری است که



شما در هکتار در آنجا برمیدارید. این رکورد دنیاست. چغندر کاشتند برای امتحان، سابق فکر میکردند در خوزستان نمیشود چغندر کاشت. حد متوسط برداشت ۷۰ تن است در خیلی نقاط ۱۰۰ تن برداشت چغندر است. بتازگی مارچوبه در آنجا کاشتند. در جواب سئوالی که کردم گفتند فعلاً محصول چهارتن و نیم در هکتار است ولی مطمئناً ما به پنج تن و احياناً شش تن مارچوبه در هکتار میرسیم که باز رکورد بین‌المللی است. هرچه بکارید در این زمینه و با این آبهای تمیزی که از کوههای نزدیک میرسد و بخصوص با تابش آفتابی که ما در خوزستان داریم همین نتیجه را خواهد داد.

این سد چه بود؟ ما جلوی فرسایش زمین را نگرفتیم ۳۰۰ میلیون تن گل و لای رفته است توی این سد. ما از روز اول شبکه آبیاری این سد را با ساختمان سد توأم نکردیم، الان ۸ سال از اختتام سد میگذرد و هنوز شاید نصف اراضی این سد هنوز اصلاً آبیاری نمیشود.

سفیدرود همینطور و سایر سدهای ما به نسبت بزرگی و وسعتشان همینطور باین درد مبتلا هستند، برای اینکه شبکه‌های آبیاری همزمان ساختمان سد شروع نشدند. اما از این ببعد این کار دیگر

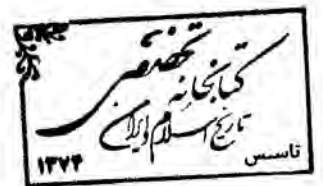
نخواهد شد مگر در جایی که بگوئید ساختمان این سد برای آب آشامیدنی اهالی آن منطقه حیاتی است و هیچ راه دیگری نیست، یا اینکه بگوئید اگر این سد را ما نسازیم سیل ممکن است که يك قسمت بزرگی از مملکت را از بین ببرد، یا اینکه بگوئید این سد از لحاظ تولید الکتریسیته طوری در موقعیت مناسبی قرار گرفته است که حتی از فروش برقش ما میتوانیم ساختن آنرا از لحاظ اقتصادی توجیه بکنیم. ولی من تعجب خواهم کرد که وجود يك سد را فقط از لحاظ برق در مملکتی که اینهمه نفت و گاز دارد بتوانید از لحاظ اقتصادی توجیه بکنید و بگوئید که این برای ما فایده دارد، در صورتیکه با تبدیل اینهمه گازی که خداوند باین مملکت داده است برق تقریباً هم قیمت تولید برق از آب می شود، بخصوص که سرمایه گذاری اولیه برای برقی که از آب گرفته میشود سنگین ترین سرمایه گذاری هاست.

پس در قسمت کشاورزی گفتیم که هیچ مملکتی این موقعیت را ندارد، یعنی مملکتی که مالکیت خصوصی هم در آن باشد که شبکه های آبیاری را تا حدود درجه ۴ که آخرین مرحله توسعه شبکه است برساند، و میل دارم از نظر تعاونیها هم مطالعه بشود که در آنجا چه



شکلی میشود شبکه چهار را پیاده کرد. شرکتهای سهامی زراعی که جای خود دارند.

سرمایه‌گذاری دیگری که در کشاورزی ایران میشود ایجاد مراکز پژوهشی عالی با شهرت بین‌المللی است. هر منطقه مملکت که دارای آب و هوای بخصوصی باشد حتماً باید یکی از این مراکز لابراتواری و تجسس کشاورزی داشته باشد. خوزستان يك آب و هوای بخصوص دارد. خراسان همینطور. آذربایجان همینطور. سواحل دریای خزر غرب و شرقش با هم جداست. در غربش در حدود ۲ متر در سال باران می‌آید، در شرقش بین ۷۰۰ - ۸۰۰ - ۹۰۰ میلیمتر در سالهای خوب باران نمی‌آید. فلات مرکزی هم که البته يك وضع بخصوصی دارد. سرمایه‌گذاری ما در شناختن جنس خاک ایران است، در تجزیه آبهای ایران است، و شناختن املاحی که دارند و تطبیق جنس آب و خاک با کودهای شیمیائی که باید در آنجا استعمال بشود و دانستن اینکه کدام بذری بهتر باین آب و هوا و باین خاک و باین منطقه میخورد، و این بذر فقط بذر بومی خودمان نیست، همه جای دنیا را باید بگردید تا آن بهترین بذر را پیدا بکنید.



خاطر من هست دو سال، سه سال و چهار سال تمام من به بعضی از مسئولین امور خودمان میگفتم که آقا میگویند يك بذر خارجی هست که خوب است بروید پیدا بکنید. مردم ما و کسانی که در ادارات ما هستند، اینها که اینقدر عاشق مسافرت هستند و برای هیچ باولین بهانه بار سفر می‌بندند، نمیدانم چرا آن تمایل دائمی را که بسفر کردن دارند در این قسمت نداشتند، کسی برای پیدا کردن این بذر نمی‌رفت. میگویند ۲۵۰-۲۰۰ نوع مختلف درخت اکالیپتوس در دنیا هست بروید آنها را بیاورید برای اینکه من میدانم و گزارشش را خوانده‌ام که درخت اکالیپتوس در هر آب و هوایی رشد میکند، در باتلاق رشد میکند، در جایی که اصلاً باران نمی‌آید رشد میکند، در زمین شوره‌زار رشد میکند. بهر صورت درختهای اکالیپتوسی هست که در باتلاق درست مثل پمپ آب رفتار میکند. اشخاصی که دیده‌اند میگویند عکس آنها هست یعنی از کله درخت در واقع آب پاشیده میشود بدین صورت که این درخت مثل پمپ آب را از زمین میکشد آنوقت از آن بالا اجباراً پخش میشود برای اینکه تمام درخت پر میشود. خیلی از زمینهای شوره‌زار را بوسیله درختهای اکالیپتوس میتوانند کنترل بکنند و شوریش را کم بکنند. هرچه گفتم سه سال چهار سال یکدانه نمونه‌اش را برای من نیاوردند نشان بدهند و این همان سنگینی است که بآن



اشاره کردم. و حالا ما با آن چک لیست‌ها و بازرسی‌ها خواهیم دید که کار افراد ما سبک است یا سنگین. هرچقدر در کشتی و در هارلتر ما طالب سنگین وزن هستیم در ادارات ما باید بعکس سبک و چابک باشند، از لحاظ رفتار البته از لحاظ قطر شکم نه، و طبقاتی که شاید از آنها کمتر انتظار استقبال این موضوع را داشتیم اتفاقاً اینها درک کردند که این موضوع تا چه حدی مهم است. تولید کشاورزی ایران باید باندازه‌ای باشد که جمعیت ایرانی با پرداخت قیمت عادلانه یعنی چیزی که از قیمت بین‌المللی بیشتر نباشد باندازه کافی بخورد و در بدن ایرانی آن کالری که لازم است برود و احیاناً اگر برای ما امکانش باشد ایران به کمبود مواد کشاورزی دنیا هم با تولید اضافه بر مصرف خود کمک بکند. پس اشاره‌ای کردیم بموضوع کشاورزی. همچنین اشاره کردیم به موضوع صنعتی در حدود فلسفه انقلاب، یعنی اینکه چیزهایی که در دست دولت باید باقی بماند بجای خود و بخش خصوصی هم بجای خود، ولی مواظب باشید در آن قسمتی که در دست دولت است هرسرمایه‌گذاری که لازم است باید بکنیم و از آن غافل نباشیم. شرکت نفت ایران بطوریکه بارها گفته‌ام بزرگترین شرکت نفت دنیا خواهد بود، برای اینکه در مملکت خود ما تولیداتش هست. تمام شرکتهای



بزرگ دنیا را به بینیم کسانی هستند که در ممالک دیگر کار میکنند و از آنجا منفعت می‌برند ممکن است اصلاً روزی این ممر قطع بشود، ممکن است روزی اینها را بیرون بکنند، ممکن است روزی اینها از آن منافع ثروت محروم بشوند. ولی شرکت ملی نفت ایران بانفت خودش سر و کار دارد شرکت نفت ملی ایران نه فقط باید بزرگترین شرکت نفتی جهان باشد بلکه بزرگترین منبع درآمد داخلی ماست برای اینکه نفتی که میفروشد اگر ما زیاد قیمت‌ها را پایین‌تر از حقیقت نگاه نداریم منفعت دارد، گازی که میفروشد منفعت دارد، و اگر شرکت نفت ایران مقام خودش را باید حفظ بکند میتواند بزرگترین شرکت پتروشیمی دنیا هم باشد برای اینکه تمام مواد اولیه‌اش در داخل خود مملکت است. سرمایه‌گذاری که در آنجا لازم است بشود باید بشود. لوله‌کشی که باید سرتاسر این مملکت را ببوشاند یعنی لوله‌کشی نفت و گاز باید بشود، پالایشگاههایی که باید ساخته بشود در این مملکت باید ساخته بشود. پس در قسمت صنعتی برای بخش دولتی مقام اول حتماً در شرکت ملی نفت است و بعد در آن شرکت توسعه صنعتی، که از این دو نمیتوانیم غافل باشیم، و همچنین توسعه ذوب آهن بحد اکثر امکان برای بهره‌برداری از آن زیربنائی که ما الان در نزدیک اصفهان ساختیم.



اگر در برنامه پنجساله پنجم ظرفیت فقط باید به دو میلیون تن برسد. برای این اساس کار کنیم، ولی اگر به چهار میلیون تن باید برسد، باید بروید دنبال این کار، برای اینکه این اقتصادی خواهد بود. پس فراموش کردن بخش صنایع دولتی برای ما امکان‌پذیر نیست، برای اینکه اولاً هیچ چیزی از این پرمفعت‌تر نیست، ثانیاً بعضی چیزها برای ما جنبه حیاتی و استقلال دارد مانند ذوب‌آهن که ما برای آن ۲۰ سال و حتی بیشتر از ۲۰ سال (برای اینکه این فکر از زمان پدر من شروع شد) معطل شدیم تا اینکه علیرغم خیلی چیزها تصمیم گرفتیم که این کار بشود، و حالا نه فقط این کار جنبه ارضاء‌کننده روح استقلال ما را دارد، بلکه مطابق حسابهای که میشود حتی از لحاظ مالی هم برای ایران منفعت خواهد داشت. قیمتی که بدست خواهد آمد با قیمت‌های بین‌المللی رقابت خواهد کرد.

حالا که موضوع شرکت ملی نفت است يك دو سه مطلبی است که باید تذکر داد. ملاحظه بکنید در قسمت نفت ما خیلی موفقیتها بدست آوردیم که شاید هم بازحمت بدست آوردیم و آن چیزی که مستقلاً ما میتوانستیم انجام بدهیم مطمئن باشید که تا سرحد امکان ما انجام

---

دادیم. ولی اصولاً موضوع نفت در دنیا يك مطلبی است که شاید یکی از نمونه‌های ظلم ممالک پیشرفته نسبت بممالک تولید کننده مواد اولیه باشد. این مطالب را ما در کنفرانس ژنو چندین دفعه عنوان کردیم و گفتیم که این قابل تحمل نیست.

حالا ایران خوشبختانه از این مرز گذشته، ممالک در حال توسعه‌ای که مواد اولیه میفروشند قاعدتاً چون ممالک عقب‌افتاده هستند رشد جمعیت‌شان زیاد است.

ما دیدیم که رشد جمعیت بیشتر در ممالکی است که مردم تفریحی ندارند. کما اینکه رشد جمعیت در بعضی از این ممالک به سه یا  $3/5$  درصد میرسد در صورتیکه رشد اقتصادی‌شان یا صفر است یا پائین صفر است. چرا؟ برای اینکه قیمت مواد اولیه‌ای که بدنی میفروشند سال بسال بمیل ممالک مصرف کننده پائین می‌آید، برای اینکه آن کسیکه مصرف میکند در واقع خریدار است. او میتواند قیمت خودش را تحمیل بکند و بعد فرآورده‌های خودش را سال بسال گران‌تر بفروشد.



پس ممالک عقب افتاده یا در حال رشد سال بسال فقیرتر میشوند. هم جمعیتشان بالا میرود و هم قیمت‌های مواد اولیه آنها پائین می‌آید و هم چیزی که احتیاج دارند و می‌خرند گران‌تر است، و این قابل دوام نیست. یکروزی منفجر خواهد شد و ممکن است که دنیائی را با‌ت‌ش بکشد. این حرفهائی که ما از طرف آنها می‌زنیم روی یک عقده خود ما نیست، برای اینکه خوشبختانه ما این وضع را نداریم. وضع ما طور دیگری است. ولی موضوع نفت هم قابل تذکر است.

ملاحظه بکنید در این ده سال و ۱۲ سال اخیر در مورد صنعت نفت در دنیا چه پیش‌آمدی کرده است. آن چیزی که من یادم است پستدپرایس است. نفت در خلیج فارس در چند سال پیش پائین آمد، یعنی نفت ایران یا تمام منطقه را از سابق ارزانتر پستدپرایس کردند در صورتیکه در همین مدت و حتی در نصف این مدت ارزش آن پولی که ما میدهند اعم از دلار یا لیره یا هرچیز دیگر در حدود شاید ۳۷ درصد ارزش آن کمتر شده، برای اینکه هزینه زندگی در آن ممالک در حدود ۳۷ درصد بالا رفته، پس هم قیمت کمتری ما میدهند و هم جنس‌هائی که ما باید با همین پول بخریم در حدود ۳۷ درصد گرانتر باید بخریم. آیا این عادلانه است؟ بد نیست مقایسه بکنیم، زیرا ما صحبت

خودمان را میکنیم و بکسان دیگر کاری نداریم.

منفعتی را که مملکت ایران از فروش نفت خود میکند مقایسه نکنید با منفعتی که شرکتهای عامل از این محل میکنند و باز مقایسه نکنید با مالیاتی که ممالک پیشرفته از همان نفت بدستشان میآید. این سه تا را مقایسه نکنید، شاید مالیاتی که ممالک دیگر بنفت می‌بندند بالاتر از منفعتی باشد که مملکت تولید کننده یا شرکت عامل داشته باشد. بالاخره ممالکی که عضو اوپک هستند ایندفعه از هر دفعه دیگر بیشتر عزمشان را جزم کردند که باین موضوع رسیدگی نکنند و تا جایی که ممکن است حقوق طبیعی و حقه خودشان را بدست بیاورند، و نتایج آنرا تا چند روز دیگر خواهیم دید. ایران در این قسمت آماده است، زیرا خوشبختانه تحت هیچ نوع نفوذی نیست و هیچ ملاحظه‌ای نمیکند. البته ما از آن سیاستهای دون‌کیشوتی نداریم که بدون مطالعه، بدون عقل، دیوانه‌وار یک شمشیر چوبی را روی سرمان تکان بدهیم و راه بیفتیم بدون اینکه فکر بکنیم نتیجه کار چه میشود. نه! ولی از طرف دیگر هیچ نفوذ غیر ایرانی نخواهد توانست ما را از اتخاذ سیاست ملی و معقولی که برای حفظ منافع ایران لازم است مانع شود. امیدوارم همین عزم در همه جا باشد که ممالک اوپک هم از یکطرفی



معقولانه و با حساب و کتاب، و از طرف دیگر بطور غیر متزلزلی  
تصمیاتی را که در کنفرانس اوپک اتخاذ میشود بمرحله عمل بگذارند  
و شاید موقع آن رسیده است که اصولاً قیمتهای مواد اولیه در دنیا به  
همان تناسب بالا رفتن مواد تولید شده ممالک صنعتی فرق بکند. دیگر  
از این درخواست ساده تر نمیشود. شما جنس را از ما ارزانتر می-  
خرید و جنس خودتان را گرانتر میفروشید. ما هر روز لاغرتر  
میشویم و شما هر روز چاق تر. يك روزی شما خواهید ترکید. هیچ  
تریدی نیست. این سیاستهای خیلی علنی و واضح ایران البته  
دشمنی هائی را ایجاد میکند. ما می بینیم که بچه طریق حقیقتاً مضحکی  
افرادیکه اصلاً هیچ شباهتی و وجه تشبیهی بهم ندارند، ولی در يك  
چیز با هم شریکند و آن درضدیت با پیشرفت ایران است ما می بینیم  
در گوشه و کنار دنیا اینها باهم جمع میشوند، یعنی اشخاص بی وطنی  
که لااقل اگر ضد این سیستم رژیم بودند و میگفتند که ما از این  
رژیم خوشمان نمی آید باز حرف آنها قابل فهم بود.

يك کسی از قیافه پادشاه خوشش نمی آید. خیلی خوب این را نمیشود  
زیاد ایراد گرفت، چه میشود کرد؟ اما عمل کردن در اینکه يك مملکتی  
پیشرفت مادیش رشد ۱۰ درصد بوده، پیشرفت معنویش از لحاظ

آزاد شدن دهقانش، از لحاظ آزاد شدن کارگرس، از لحاظ زن ایرانی. که به چنین مقامی رسید، از لحاظ سپاههای انقلاب ایران که در آنها پسر و دختر ایرانی میروند و در دورافتاده ترین نقاط این مملکت کار میکنند تا بدین حد بوده است. و آنوقت اینها بیایند با سیاستی که در این مملکت است مخالفت بکنند، با انقلاب ایران مخالفت بکنند و بخواهند این مملکت تحویل اجنبی بشود، و تازه تحویل اجنبی بشود که چکار بکنند؟ کاری اینجا انجام بشود که خود آن اجنبی بزبان آمده و گفته است که من نتوانستم آنرا انجام بدهم اصلا بکلی در سیاستم شکست خوردم. این البته از يك طرف جای تبسم است و از يكطرف جای تأثر که حتی اگر تعداد این افراد ۲۰۰ نفر، ۳۰۰ نفر، ۴۰۰ نفر و ۱۰۰۰ نفر هم بیشتر نباشد چرا اصلا بایستی این فنومن ایجاد بشود؟ حالا چون مهم نیست روی این موضوع تکیه نمیکنم و فقط میگویم جای تأسف است. اصالت کار طوری است که در عرض این مدت کم این نتیجه را داده است و خواهید دید پنج سال دیگر نتیجه اش چه خواهد بود و ۲۰ سال دیگر نتیجه اش چه خواهد شد. حتی من میگویم ۱۲ سال دیگر، یعنی وقتی که این برنامه چهارم تمام بشود، برنامه پنجساله پنجم تمام بشود، برنامه پنجساله ششم هم تمام بشود ایران وارد دوره تمدن بزرگ خواهد شد. حالا ما میگوئیم جهش بزرگ، کار



بزرگ، ولی بعد در ۱۲ سال دیگر من اسم آترا تمدن بزرگ میگذارم، براساس فلسفه انقلاب ایران و پیشرفتهائی که ما در تمام زمینه‌ها خواهیم کرد.

بطور مختصر صحبت از آموزش شد. حالا باید بیشتر باین موضوع اشاره بکنم.

ایران در آینده نزدیکی که شاید در این برنامه پنجساله پنجم کامل نشود ولی حتماً در ۱۰ سال دیگر خواهد توانست از لحاظ آموزشی نه تنها بیسواد نداشته باشد، بلکه دبیرستانهای عادی و حرفه‌ای‌اش باندازه‌ای باشد که احتیاجات مملکت را تأمین بکند، و همچنین از لحاظ دانشگاهی وسیله اینقدر باشد که هیچکس بعلت اینکه در ایران جا نیست مجبور برفتن بخارج نباشد. یعنی تمام آن کادر دانشگاهی که مملکت ایران برای پیشرفت کارش لازم دارد در خود این مملکت آموزش یابد. جاهای آزاد در دانشگاههای ایران باندازه کافی باشد که هم ایرانی‌ها را بپذیرد و هم هزارها نفر از ممالک دور و نزدیک در دانشگاههای ایران مشغول تحصیل باشند، کما اینکه الان این کار شروع شده است و عده‌ای برای کارهای خیلی تخصصی می‌آیند. البته



ما باید دانشجو به بیرون بفرستیم، حتی اگر برای امور تخصصی هم نباشد. باید افراد ما، فارغ التحصیلان ما، وقتی از دانشگاههای ما خارج شدند برای تطبیق کارها - برای اینکه محیط دیگری را هم ببینند حتماً باید بروند دنیا را ببینند و از این تماسهایشان ما بهره مند بشویم. پس در این برنامه پنجساله ما به آموزش عالی چه در پائین ترین سطح آموزشی و چه در عالیترین سطح آموزشی باید باندازه کافی توجه بکنیم. در موضوع دفاع مملکت باید گفت که بدون آن هیچیک از این کارها اصلاً عملی نیست و تا موقعیکه در دنیا خلع سلاح نباشد البته این مسئله در رأس تمام افکار و اعمال ما است. تمام این آرزوها و تمام این فلسفه‌های عالی انسانی انقلابی ما موقعی عملی هست که این مملکت استقلال داشته باشد و مرزوبومش محفوظ باشد، والا آن فلان کس خواهد گفت که من پرچم تو را از روی کشتی بزور پائین میکشم. اگر حقیقتاً کار ما باینجا برسد انتحار دسته‌جمعی بهتر است، یا اینکه اگر زمامدارانی یا ملتی اینقدر بی فکر باشند که پیش‌بینی این روزها را نکنند آن ملت اصلاً شاید دیگر حق حیات ندارد. اصلاً اجازه زندگی ندارد. باوجود این ما برای قوای مسلح خودمان از لحاظ تعداد و از لحاظ تشکیلات تا جائی که ممکن است صرفه‌جوئی خواهیم کرد. تصمیماتی در چندروز



آینده خواهیم گرفت که نمودار همین موضوع است. صرفه‌جویی در سازمان ولی داشتن آن حداقل بخصوص در آن نیروهائی که لازم هست تا این مملکت برای دفاع خودش هیچوقت احتیاج بدرخواست فرستادن يك تلگراف به نزدیکترین دوستش که خواهش میکنم بكمك ما بیایید نداشته باشد، برای اینکه ما دیدیم این نوع درخواست‌ها از طریق آن مملکتی که خودش نه عزمش را دارد و نه امکانش را دارد که از خودش دفاع بکند بچه فجایع بین‌المللی منتهی میشود. اسم نمی‌آورم ولی نمونه‌اش را همین امروز در دنیا در دو سه نقطه می‌بینید. يك قوای تأمینیه قوی بدون اقتصاد سالم نمیتواند دوام داشته باشد. ما قوایی را که این مملکت لازم دارد بآن حداقل میرسانیم برای اینکه سعی میکنیم اولاً نفراتی را تربیت بکنیم که از هیچکس در تبحر و در تخصص و در روحیه و در اراده کمتر نباشند، و ضمناً سلاحهای غیراتمیک که به تشخیص خودمان بهتر و موفق‌تر باشد در اختیار آنها بگذاریم، ولی باز گفتم بآن حداقل مقداری که مملکت ما را بخطر نیندازد، و امیدوار هستم که تخصص افراد ما و روحیه آنان جبران کمبود کمیت قوای ما را بکند. مجبورم در عین حال تذکر بدهم که این سیاستی که من الان میگویم تطبیق باوضع فعلی میکند، اما اگر خدای نخواستہ وضعیت اطراف ایران و بااصطلاح جغرافیائی

نزدیک ایران تغییر بکند و بطریقی تغییر بکند که خطراتی اضافی متوجه این مملکت بشود البته بهمان تناسب ما ناچار هستیم که بر بیداری خود بیفزائیم و بر قدرت خودمان اضافه بکنیم.

توسعه دموکراسی که روز بروز در مملکت ما بیشتر میشود و با توجه به آن صحبتی که کردم که اساس دموکراسی جامعه ایران نمیتواند بر یک شالوده غیر دموکراتیک اقتصادی استوار باشد و بعکس یک شالوده اقتصاد دموکراتیک بدون دموکراسی سیاسی نمیشود، در هر دو زمینه ما داریم پیشرفت میکنیم. در دموکراسی سیاسی ما از پائین ترین سطوح که انجمن ده باشد شروع کرده ایم. در خود انجمن ده چندین چیز مکمل دموکراسی داریم که عبارتند از شرکتهای تعاونی و شرکتهای سهامی زراعی و خانه های انصاف، و در آینده خانه های فرهنگ هم کمک بدموکراسی خواهد کرد. وقتی که ما در انجاها تلویزیون بگذاریم، رادیو بگذاریم، افرادی بروند بآنها تمدن ایران را توضیح بدهند و فرهنگ ایران را توضیح بدهند، کتابخانه داشته باشند و تصاویر مختلف ببینند، این البته بدموکراسی کمک میکند، هر قدر فکر اینها بازتر بشود و فهمشان بیشتر بشود بیشتر دموکراسی را درک میکنند. از آنجا میرسم بانجمنهای شهر و بعد



شهرستان و استان و بالاخره مجلسین سنا و شورایملی. تمام اینها هرکدام يك مرحله و يك پله‌ای برای تعمیم دموکراسی در ایران است، و این امر وقتی باریشه‌کن شدن بیسوادی و توسعه وسائل آموزشی در همه سطوح توأم بشود و با اقتصاد دموکراتیک تطبیق‌بکند کاملتر خواهد شد. در چنین اقتصادی صنایعی که تعیین‌کننده قیمت هستند حالا هرچه باشد اعم از نفت یا آهن یا حمل و نقل است یا پست و تلگراف یا گاز و فرآورده‌های پتروشیمی (که البته آن زیاد مهم نیست و میتوانیم مردم را تا يك حدی در آن قسمت شریک بکنیم، برای اینکه آن تعیین‌کننده قیمت نیست) در دست جامعه است که بوسیله دولت که نماینده جامعه است اداره میشود، و همچنین شرکت کارگرا در سود کارخانجات که باز باعث تعمیم اقتصاد دموکراتیک میشود و کارهای دیگری که در قسمت روستائی میکنیم برای اینکه زراعت ایران کم‌کم دارد يك زراعت در واقع صنعتی میشود که اسمش اصلا کشت و صنعت است.

پس این دو کار توأم با هم پیشرفت خواهد کرد و رژیم دموکراتیک ما با اقتصاد دموکراتیک ایران به پیشرفت‌های بسیار چشمگیری نائل خواهد شد.

پس در چند کلمه هدفهائی را که ما برای برنامه پنجساله پنجم داریم خلاصه میکنم. از لحاظ کشاورزی مطالب را گفتم و تذکر دادم که اهمیت خیلی زیاد برای کشاورزی قائل هستیم. از لحاظ صنعت در قسمت بخش دولتی کارهائی که کرده‌ایم بعداً کثرت تکمیل است، بخصوص در قسمت شرکت نفت و صنایع ذوب آهن، و چیز جدیدی که شاید باید يك اشاره‌ای بآن بکنم و شاید هنوز باندازه کافی اهمیتهش را ما توضیح نداده‌ایم. موضوع کشف معادن مس است. توسعه شبکه برق مملکت اگر بهمین آهنگ جلو برویم فوق‌العاده است. يك رشد ۳۷ درصد گمان میکنم در دنیا بی‌سابقه باشد، ولی اگر احتیاج باشد سعی میکنیم که این رشد را حفظ بکنیم.

موضوع آموزش و موضوع خدمات را گفتم. در خدمات باز چیزی که زودتر از همه در زندگی مردم تأثیر خواهد کرد موضوع ساختمان مسکن چه در شهرها و چه کم‌کم در روستاها است. اگر ما چند چیز را بتوانیم باختیار مردم بقیتمتهای تقریباً ثابت بگذاریم بزرگترین کار را انجام داده‌ایم و خیلی مهمتر از اینست که ما سال بسال بحقوق مردم اضافه بکنیم، و آن مواد مصرفی و موضوع مسکن است. البته در این مورد ما برای بعضی‌ها بیشتر توجه میکنیم و این امر لازم



است برای اینکه جزو وظیفه و کارش است مثلاً اگر ما به یک افسر ارتش و یک درجه دار ارتش مسکن بدهیم این جزو وظیفه او است برای اینکه در یک نقطه‌ای زندگی میکند که گاهی در آن اصلاً چیزی نیست، حتی شهر نیست و آبادی نیست. پس داشتن مسکن برای او لازمه انجام وظیفه‌اش است. این مسکن نباید از فلان مقدار حقوق او در ماه بیشتر کرایه بردارد. حداکثر ۱۰ درصد و در خیلی قسمت‌ها ۵ درصد، ولی برای سایر کارمندان دولت هم همینطور. این خیلی مهمتر است که ما یک مسکن ارزان قیمت در اختیار او بگذاریم تا اینکه حقوقش را اضافه بکنیم، برای اینکه اگر حقوق بالا برود و ضمناً قیمت مسکن و قیمت تمام احتیاجات زندگی بالا برود این در واقع نقض غرض است. نمی‌گوییم حقوق بالا نرود، باید برود ولی کی؟ موقعیکه بالا رفتن حقوق برای بهتر زندگی کردن باشد نه فقط برای جبران گران شدن هزینه زندگی، چون ما میخواهیم بهتر زندگی بکنیم. موقعیکه حقوق بالا میرود، یعنی قدرت خرید این فرد یا این خانواده بیشتر میشود، یعنی بهتر زندگی میکنند، والا اگر زندگی شما ۱۰ درصد بالا رفت و شما هم ده درصد بحقوق اضافه کردید، این در همان سطح میماند و بهتر زندگی نمیکند. در صورتیکه من می‌گویم سعی کنید قیمت چیزهای مهم را ثابت بکنید یا اگر احیاناً

بعضی اوقات قیمت می‌رود بالا (برای اینکه در همه دنیا بالا می‌رود و غیر از اینهم ممکن نیست) اگر مثلاً ۲ درصد قیمت بالا رفت و البته امکان پولیش را داشتید شما ۳ درصد بحقوق اضافه بکنید که همیشه يك قدری بهتر از سابق زندگی بکند. اما اگر شما مسکن ارزاتر در اختیار او بگذارید که شاید الان ۲۰ - ۲۵ درصد حقوقهای کسانی که خانه ندارند برای پرداخت کرایه می‌رود شما بتوانید محدود حتی ۱۲ - ۱۵ درصد بحقوقش برسانید. این ۱۰ درصد مثل این است که بحقوق او اضافه کرده‌اید بدون اینکه اضافه‌ای بشود و بدون اینکه در مملکت تولید تورم بکند.

ولی برای اکثر کارمندان دولت ما اصولاً باید سیاست خانه‌سازی داشته باشیم. برای آنها که کردیم غیرمستقیم چون عرضه زیاد هست قیمت کرایه‌ها بهر صورت در سطح مملکت پائین می‌آید و رفاه بیشتری برای مردم ایجاد می‌شود. پس باید جزو خدماتی که حساب می‌کردیم موضوع خانه‌سازی را هم حساب بکنید حتی بصورت، داخلی - خارجی یعنی اگر بیایند با قسط خانه بسازند و پولشان را بتدریج بگیرند فکر می‌کنم که این يك سیاست صحیحی باشد، بهمان اندازه که توسعه صنایع مملکت مهم است این توسعه خانه‌سازی هم صحیح است.



مثل میزنیم. ما در تبریز و در اراک مراکز مهم صنعتی ایجاد کردیم؛ اگر ما در این دو نقطه خانه باندازه کافی برای کارگرانی که در آنجا مشغول کار خواهند شد نسازیم چه خواهد شد؟ طبعاً کرایه خانه در آنجا بقدری بالا خواهد رفت که اگر حقوق فعلی را بآن کارگر بدهیم زندگی نمیتواند بکند و باید دوبرابر یا سه برابر حقوق کارگر آن منطقه را بالا ببریم برای اینکه بتواند زندگی عادی یک کارگر دیگر ایرانی در یک نقطه دیگر را داشته باشد. البته تمپه برنامه‌تان فکر میکنم باید روی همین خطوط باشد، مگر اینکه از حالا تا دو سال دیگر پیش‌آمدهائی بکند که از حدود کنترل ما و یا از حدود پیش‌بینی ما خارج باشد و در آن موقع هنوز وقت دارید و تقدم‌ها را البته بعد معین میکنید و آن به نسبت اوضاع بین‌المللی و احتیاجات داخلی مملکت ایران خواهد بود. امیدوارم برنامه فعلی باموفقیتی که تا بحال داشته که بیش از پیش‌بینی بوده خاتمه پیدا بکند و برنامه پنجم را هم بتوانیم باهمین موفقیت و خداکند بیشتر انجام بدهیم. فکر میکنم اگر در پروژه‌هایمان دقت بکنیم شاید بتوانیم یا سریعتر کار بکنیم یا در مخارجش نظارت دقیق بکنیم شاید ارزان‌تر و هم سریع‌تر تمام بکنیم که جمع این دو تا خیلی تفاوت میکند.



---

پروژه‌ای که میبایستی در عرض سه سال با فلان مقدار سرمایه‌گذاری تمام بشود؛ چون ما این سه سال را معمولا در عرض ۷-۸ سال تمام میکنیم در نتیجه تفاوت هزینه زندگی و گرانی بین این سه سال و ۸ سال اضافه براینکه برای آن پروژه گران‌تر از آن چیزی که هست خرج میکنیم پروژه را آخر سر غیر اکونومیک میکند.

در این چیزها دقت بکنید و همچنین در این مورد که اغلب کارهای مملکتی را ما میتوانیم با ماشین حساب انجام بدهیم و مکانیزاسیون کامل بکنیم. در این قسمت امیدوارم نتایجی که از برنامه پنجساله پنجم خواهیم گرفت از این برنامه‌ها هم حتی درخشانتر باشد.



گزارش

نخست‌وزیر در حضور شاهنشاه آریامهر



شاهنشاهی - علیاحضرتا - در تاریخ معاصر واقعه‌ای که زندگی جامعه کنونی و تاریخ آینده ایران را بنحو بنیادی و شگرف تحت تأثیر خود قرار داده است و خواهد داد بدون هیچ تردید انقلاب ایران است که فصلی تازه در سرگذشت طولانی و افتخارآمیز این ملت باستانی ایجاد کرده است. ما که همه هستی و زندگی خود را مرهون هستی و حیات این سرزمین شناخته‌ایم، ما که با پیوند استوار و عشقی فروزان بدین آب و خاک پیوسته‌ایم ما که به بزرگیها و استقلال و عزت و نیکنامی میهن گرامی خود از زمانهای بس دور آگاهی داریم اینک وقتی به جهش‌ها و پیشرفتهای خود که در زمانی بس کوتاه نصیب کشور ما گشته است نظر می‌افکنیم غرق در دنیای افتخار و مباهات می‌شویم و زبان به ستایش خدای یکتا می‌گشائیم که این چنین نعمت‌های گرانقدری را بما ارزانی داشته است. هم‌زمان با اعلام منشور این انقلاب سومین برنامه عمرانی کشور که نخستین برنامه جامع و متوازن اقتصادی ایران بود بموقع اجرا گذاشته شد و بموازات اصلاحات عمیق اجتماعی که در بستر انقلاب صورت گرفت رشد اقتصادی بسیار سریع و کم‌نظیری در سراسر دنیا نصیب کشور ما گشت در حالیکه بودند افرادی که چنین هم‌آهنگی و هم‌زمانی محسوس و آشکاری را در جهت دگرگونیهای مثبت اقتصادی و اجتماعی





باور نداشتند و ترقیات اقتصادی را در دوره تحولات اجتماعی غیر ممکن می‌شمردند.

مراجعه به ارقام و آمار و شواهد عینی و مدارك غیر قابل انکاری که در دسترس ما است ثابت میکند که به برکت تعالیم این انقلاب که از يك رهبری عمیق و خلاق مایه گرفته‌است کشور ما در جهات اجتماعی و اقتصادی به پیروزیهای پدافنده‌ای نائل آمده است ارقام مربوط به شش ماه نخستین سال جاری از يك رشد اقتصادی همه جانبه و بمیزان بیش از ده درصد حکایت میکند از امتیازات این رشد ثبات نسبی قیمتها بطوریکه از سال ۱۳۴۰ تاکنون هزینه زندگی بطور متوسط فقط سالی يك و هفت دهم درصد ترقی داشته است و تازه شك نیست که در این ترقی عامل افزایش سریع قیمتهای بین‌المللی تأثیر بسیاری داشته است، با توجه باین نکات است که میتوانیم رشد اقتصادی ایران را نه فقط بارشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه بلکه با کلیه کشورهای توسعه یافته مقایسه کنیم و این خصیصه را بحق برای اقتصاد ملی خود پیروزی درخشانی بشناسیم - این مطلب را نباید فراموش کرد که کشور ما توانست این رشد سریع کمی و کیفی اقتصادی و اجتماعی را در عین ایفای رسالتی که از دیرباز به



لحاظ شرایط خاص جغرافیائی و سیاسی خود در حفظ مرز و بوم خود و صلح و امنیت بعهده گرفته احراز کند و بخش قابل ملاحظه‌ای از درآمد خود را صرف امور دفاعی نماید.

در صحنه سیاست جهانی و در عین آشوبها و هیجاناتی که در اقطار جهان، سلامت زندگی را مورد تهدید قرار داده ایران توانسته است نه تنها از ثبات اجتماعی و سیاسی و تکامل بی وقفه اقتصادی بهره‌مند باشد بلکه در خانواده جهانی ملل در مقام عنصری جلوه کند که همواره به مبانی صلح و بحقوق بشر ارج و احترام گذاشته و با پیشنهادهای انسانی در زمینه پیکار جهانی با بیسوادی و تشکیل لژیون خدمتگزاران بشر و نظائر آن سهم عظیم خود را در تلاش بخاطر بهبود زندگی مردمان محروم در سراسر گیتی ادا کرده است. بی‌شک در این پیروزیها اتکاء دائمی ما به سنتهای برجسته و پایدار ملی و پرهیز از ایده‌ئولوژیها و اندیشه‌های وارداتی و طرد نسخه‌هایی بوده که اینجا و آنجا و در راه مقاصدی خاص و بعنوان چاره‌ملتها در کسب آزادی اجتماعی و اقتصادی آنها ارائه شده و میشود و همیشه هم باشکست و ناکامی و عوارض گوناگون رو برو بوده است.



بی‌شك حملاتی که از گوشه و کنار حسودانه نسبت به پیشرفتهای ملی ما میشود از همین روست که می‌بینند نسخه‌های آنان در مقابل روش و انقلاب ما بی‌ثمر بوده و ثابت میکند که این همیشه بی‌ثمر خواهد بود، و نیز احساس میکنند که مردم سراسر گیتی و خاصه ملل کشورهای در حال رشد به اصالت و قابل اعمال بودن شیوه ما ایمان و اعتقاد یافته‌اند، امروز بر همگان مسلم گشته است که انقلاب ما راه را برای اقدامات اساسی در تقسیم و توزیع خدمات اجتماعی و ثمرات و برکات ثروت ملی بین عموم افراد مردم از هر طبقه و گروه باز کرده است، با همه این موفقیتها دولت از مشکلات و مسائلی که با آنها روبروست غافل نیست و میداند که مسلماً حفظ این میزان رشد و پیشرفت در سال‌های آینده مستلزم افزایش نیرو و ازدیاد کوشش خواهد بود - از شرایط لازم ادامه موفقیت کنونی رعایت کامل انضباط برنامه‌ای و مالی از طرف کلیه سازمانهای دولتی و وابسته بدولت است بهمین مناسبت دولت با تقویت برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی و استفاده از آن بعنوان مهمترین ابزارهای ایجاد انضباط لازم میداند که بسازمان برنامه قدرت بیشتر و اختیارات وسیعتری در کنترل و نظارت بر اجرای طرحها داده شود. خوشبختانه امور اجرائی کلا به وزارتخانه‌ها و سازمانهای مسئول محول شده است ولی سازمان

برنامه باید با قوت بیشتر و شدت افزونتر ناظر بر حسن اجرای امور مذکور باشد و عنداللزوم انضباط برنامه‌ای را از طریق کنترل مالی و بودجه‌ای اعمال کند، شرط دیگر و بسیار مهم حفظ و ادامه موفقیت‌های بدست آمده اصلاح سازمانهای اداریست، یکی از آموزشهای انقلابی ما این است که باید از نیروهای جوان و تازه نفس در اجرای مسئولیتهای مملکتی حداکثر بهره‌برداری بعمل آید تا با همکاری برادران مجرب‌تر خود در این خدمات بزرگ شرکت جویند دولت براساس این تعالیم، کوشش کرده‌است از افراد هوشمند و کارآمد و با استعداد، اگر چه سابقه طولانی هم در دستگاههای مملکتی نداشتند استفاده کند و فکرهای جوان و استعدادهای نوخاسته را و قریحه‌های نو شکفته را در مسئولیتهای مختلف مملکتی بکارآورد و به آنها حتی در سطوح مدیریت مجال بروز و ظهور دهد. اینک موقع آن رسیده است که با هرگونه روحیه محافظه‌کاری که احياناً در برخی معدود از مدیران و مأموران پیدا شده‌است مبارزه سخت انجام گیرد، بنحویکه همچنان راه به روی استعدادهای خلاق و جوان باز بماند، و همه سدهای پیشرفت را در مقابل آنان شکسته شود همین امر خود گواه براین است که انقلاب ما يك انقلاب مستمر و دائمی است و بموجب تعالیم مقدس آن باید هرزمان بارکود و عوامل توقف



پیکار گردد، تاجر خهای تکامل و پیشرفت با آهنگی سریعتر بگردد و نیازهای هر دوره را بنا بر اقتضای آن در دوره‌هایی که در پیش داریم با سرعت بیشتری پیش برویم، اعتقاد به لزوم مشارکت مردم در امور و خاصه کارهایی که مربوط بخود آنها است از باب درک همین ضرورت حاصل شده و بهمین دلیل است که با وجود مراجعی مانند مجلسین و انجمن‌های شهر و ده و انجمنهای استان و شهرستان و نظایر آنها که هر یک جلوه‌گاهی از رأی و نظر و شرکت مردم در امور مملکتی است، کوشش دولت همواره متوجه این مقصود بوده است که هر چه بیشتر از این مراجع در خدمات مختلف و بویژه در برنامه‌ریزیهای کشور بهره‌برداری کند. دولت بر این اعتقاد راسخ است که در برنامه‌ریزیهای خود باید از مردم و سازمانهای مذکور بهره‌های فراوان کسب کند زیرا بدیهی است که مردم و سازمانهای محلی که در متن نیازمندیهای خود هستند بهتر و عمیق‌تر میتوانند این نیازها را بازگو کنند. استنباط اصولی از اصول انقلاب ایران و راهنمائیهای مداوم شاهنشاه با توجه به تحولات و دگرگونیهای مثبت گذشته در زمینه امور اقتصادی و اجتماعی این است که در سالهای آینده اقتصاد و اجتماع ایران باید شاهد سه‌جبهه‌ای عمده و اساسی باشد: جهش در زمینه کشاورزی بمنظور بالابردن تولید و همچنین

درآمد و قدرت و خرید کشاورز از طریق اتکا به اصول تعاونی و توسعه شرکتهای سهامی زراعی و تعاونی روستائی - جهش در زمینه صنعت جهت ایجاد صنایع ایرانی با اتکاء تکنولوژی اصیل ایرانی. یعنی همانطوریکه مثلاً قالی ایران باسلیقه ایرانی ومختصات صنعت ایرانی در دنیا از محبوبیت و شهرت و امتیازات خاصی برخوردار است، صنایع جدید نیز باید از رنگ و بوی و مشخصات تکنولوژی ایران بهره‌مند باشند و وجوه امتیاز خود را در بازارهای جهان حفظ کنند و از این رهگذر رقیب نیرومند مصنوعات خارجی شوند. سرانجام سومین جهش، جهش در عرصه آموزش و پرورش است، بدانسان که هم نیروی انسانی مورد نیاز اقتصاد دائم‌الرشد کشور را تمهیه کند و زمینه تخصصها و مهارتها را گسترش دهد و کمیت و کیفیت محصولات ایرانی را تعالی و درخشش بخشد و هم موجب توسعه تحقیقات علمی وفنی و بویژه موجبات تجلی تکنولوژی اصیل و مستقل و ممتاز ایرانی را در عرصه جهان باتوجه به تکنولوژی پیشرفته دنیای کنونی فراهم کند درك چنین حقایق است که بما اطمینان و امیدواری میدهد که آینده کشور ما بسی تابناک و درخشان است زیرا در سیر انقلابی خود دریافته‌ایم که هنوز امکانات دست نخورده بسیاری مقابل ما است که بما اجازه میدهد جهشهای



خود را در تمام زمینه‌های سازندگی بلندتر و عمیقتر سازیم. شك نیست که نیروی فکری و قدرت علمی و سجایای معنوی انسان مهمترین عامل رشد و توسعه اقتصادی و موجب به‌عامل اساسی سازندگی بوده است و خواهد بود علی‌هذا سرمایه‌گذاری برنامه‌های گذشته و حال در پرورش نیروی انسانی و آموزش افراد مهمترین اقدام در راه توسعه و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی درسالهای آینده محسوب میشود و نیروی جوان را برای ساختن جامعه پربرکت ایران فردا آماده خواهد کرد، شاهنشاهها تاریخ را انسانها ساخته‌اند و به انسانها تعلق دارد و بره‌روشن‌بین و آگاهی مسلم است که شاهنشاه ایران مسیر تاریخ ایران را بسوی پیروزی‌های بادوام ملت خویش تغییر داده‌اند.

شاهنشاه ایران ملت خود را در چنان راهی رهنمون گشته‌اند که؛ نسل امروز نیز در مرحله سازندگی و ایجاد زیربنای زندگی نسلهای بعد از برکات خدمت و تلاش خود بهره‌مند باشد. اینک در آستانه تدوین پنجمین برنامه عمرانی کشور بدین‌جا گرد آمده‌ایم تا درطریق مسؤلیت‌هاییکه در برابر شاه و ملت خود بعهده گرفته‌ایم از الهامات رهبر انقلاب خویش باز هم بهره‌مند شویم تا همچنان در

---

کمال نیرومندی و ایمان بدرستی در راهیکه برگزیده‌ایم به پیش  
برویم و رضای خاطر شاهنشاه و ملت گرانقدر ایران برخوردار  
شویم اجازه می‌خواهد که مدیر عامل سازمان برنامه گزارشی درباره  
برنامه‌های اقتصادی کشور در بیست سال گذشته و در بیست سالیکه  
در پیش داریم شمه‌ای به شرف‌عرض مبارک شاهنشاه برساند.





گزارش

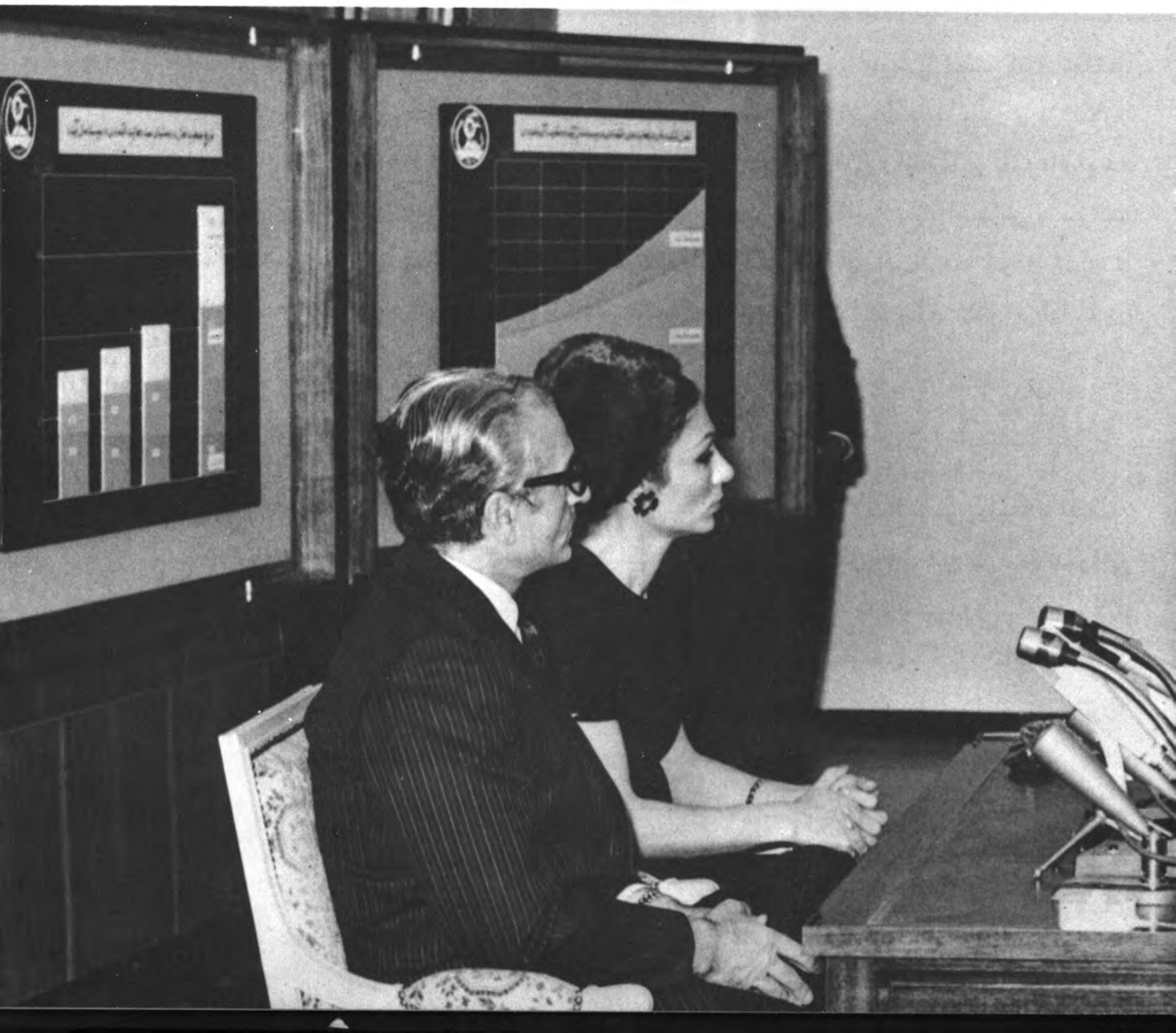
مدیر عامل سازمان برنامه در حضور شاهنشاه آریامهر



## شاهنشاهها - علیاحضرتا -

برای چاکر مایه کمال افتخار است که به تمایندگی کلیه همکاران، مقدم شاهنشاه عالیقدر و شهبانوی ارجمند را گرامی دارد و از صمیم قلب عرض تمهیت نماید. نه فقط کارشناسان سازمان برنامه بلکه دیگر کسانی که در تهیه و تنظیم برنامه‌ها و اجرا و نظارت بر آنها سهیم بوده و هستند و جمعی از آنان خود در این مجمع تاریخی شرف حضور یافته‌اند همه در این احساس غرور و مباهات با چاکر مشارکت دارند. تشریف‌فرمائی ذات اقدس ملوکانه بمعیت شهبانوی گرانقدر ایران به سازمان برنامه نه فقط گواه کمال مرحمت و عطوفت شاهانه نسبت به افراد تحصیلکرده و خدمتگزار مملکت است بلکه در عین حال نمودار توجه خاصی است که شاهنشاه ایران که مظهر آرزوها و امیدهای ملت ایران هستند در ایفای رسالت بزرگ تاریخی خویش که تأمین آینده‌ای بهتر برای مردم این کشور باشد از دیرباز، نسبت به امر برنامه و برنامه‌ریزی مبذول فرموده و میفرمایند. توفیق برنامه‌های عمرانی گذشته خود شاهد این حقیقت است که برنامه‌های مذکور از پشتیبانی شاهنشاه برخوردار بوده است و موفقیت برنامه‌های آینده نیز منوط به این خواهد بود که شخص اعلیحضرت که نگاهبان ثبات سیاسی و اجتماعی کشور و عامل حفظ و بقای فرهنگ دیرین و ضامن دوام و پیوستگی تاریخ ایران هستند از مساعی طراحان





و مجریان آن برنامه‌ها حمایت فرمایند. بدیهی است که نه فقط طراحان برنامه و مجریان آن بلکه تمام ملت ایران باید پیروی از افکار و اوامر شاهنشاه را وظیفه خویش دانند و هدفها و اصول برنامه‌های آینده را که به صحنه ملوکانه می‌رسد از آن خود شمرند و با احساس مسئولیت و در کمال صمیمیت، بانضباط ناشی از این برنامه‌ها گردن نهند تا نیل به آینده درخشانی که خاطر خطیر شاهانه برای ملت ایران مقرر داشته مقدور و میسر گردد.

### شاهنشاهها - علیاحضرتا -

اجازه می‌خواهد که در اینجا شمه‌ای از تحولات اساسی جامعه و اقتصاد کشور را در طول بیست و دو سال که از تاریخ اولین برنامه عمرانی ایران می‌گذرد بعرض برساند و پس از آن به ترسیم دورنمای تحولات عمده بیست و دو سال آینده و همچنین خطوط اصلی برنامه پنجساله آینده پردازد و ارشاد و هدایت ذات اقدس ملوکانه را در هر مورد مستدعی گردد.

در بیست و دو سالی که گذشت اجتماع و اقتصاد ایران تغییرات عظیم و عمیقی بخود پذیرفت. در آغاز سلطنت آن اعلیحضرت، اقتصاد ایران اساساً اقتصادی زراعی بود و جز در چند رشته محدود از صنایع سبک

و مصرفی توسعه‌ای نداشت. اکثریت عظیم نیروی فعال کشور به کشاورزی می‌پرداخت که خود برنظام کهنه و غیر عادلانه ارباب - رعیتی مبتنی بود. در آن زمان هنوز درآمد سرانه بالنسبه پائین بود و علی‌رغم ترقیات حاصله قسمتی از طبقات اجتماع در حداقل معیشت می‌زیست. اما در خلال دوره مذکور، ساختمان اقتصادی ایران متدرجاً دگرگون‌گشت. پذیرش تدریجی نظام برنامه‌ای و تجهیز منابع ملی در این طریق، از طرفی موجب تسریع رشد اقتصادی کشور شد و درآمد سرانه را طی دوره مزبور تقریباً ۵ برابر کرد و از طرف دیگر، ساختمان و ترکیب جامعه را تحول بخشید و با تأمین آزادی عمل فردی و توسعه امکانات برای بخش خصوصی، طبقات متوسط را گسترش قابل ملاحظه داد.

در اواسط دوران مورد بحث بود که پس از چندین سال آزمایش سیاسی، نظام اجتماعی ایران جهت‌گیری تازه‌ای حاصل کرد که خطوط عمده آنرا انقلاب سپید ایران که خود مهمترین واقعه بیست و دو سال اخیر بود تعیین کرده بود. پیشرفتهای اجتماعی که در پرتو این انقلاب منجمله در روابط مالك و زارع و کارفرما و کارگر عاید شد و نیز موفقیت‌های اقتصادی که از خلال برنامه‌های عمرانی و سیاست‌های



توسعه مربوط به بدن نصیب گردید و پیروزیهای سیاسی که خصوصاً بدنبال آزادی آذربایجان در صحنه بین‌المللی بدست آمد موجب آن شد که روح اعتماد تازه‌ای بجسم ایرانی باز آید و هشیاری ایرانی بگذشته و حال و آینده خود فزونی گیرد، تحرك تازه‌ای در همه طبقات جامعه پدیدار شود و ذوق فعالیت و ابتکار در دل همه مردم بیدار گردد.

چهار برنامه عمرانی که در این مدت بموقع اجرا درآمد هر يك نقشی بخصوص در سیر تکامل اقتصاد و اجتماع ایران ایفا کرد:

در برنامه‌های عمرانی اول و دوم بود که شالوده‌های فیزیکی و اجتماعی رشد اقتصادی کشور ریخته شد. برنامه عمرانی سوم، اقتصاد ایران را از رشدی سریع که معادل بیش از ۸ درصد و بالاتر از هدف تعیین شده قبلی بود برخوردار کرد. برنامه عمرانی چهارم که اینک سومین سال آن به پایان میرسد ضمن ادامه توسعه اقتصادی به میزان متوسط ۹/۵ درصد در سال به قیمت‌های ثابت، موفق شد که عصر صنعتی شدن ایران را با پی‌ریزی صنایع سنگین و اساسی گشایش بخشد. اجرای این برنامه‌ها سهم صنایع را در تولیدات ملی افزایش محسوس داد و ترکیب جمعیت فعال را بنفع بخش صنعت و خدمات دگرگون کرد.



میتوان گفت که در مجموع، برنامه‌ریزی ایران در طی بیست و دو سال گذشته بیشتر متوجه رفع موانع بنیادی و تأمین شرائط زیربنائی توسعه اقتصادی و اجتماعی بود و بر اثر توفیق در همین زمینه بود که مملکت در ده سال اخیر به رشدی نائل آمد که سرعت آن جز در اقتصاد ژاپون همانند نداشته است.

اما بیست و دو سال آینده که جامعه ایران را به سال ۱۳۷۱ میرساند بی‌شبهه ساختمان اقتصادی و اجتماعی ایران را با تحولات اساسی‌تر و تغییرات عمیق‌تری مواجه خواهد ساخت که اینک خطوط اصلی آنرا تابدانجا که از اصول انقلاب سپید ایران استنباط میشود بعرض شاهنشاه میرساند تا هرگاه با آنچه اینک، مشیت شاهانه برای آینده ملت ایران تدبیر میکند مطابقت نماید برنامه‌های آینده و خصوصاً برنامه پنجم را برآن اساس طرح‌ریزی کند.

بعرض رسید که رشد اقتصاد ایران طی ۲۲ سال گذشته چنان بوده که درآمد سرانه را به حدود پنج برابر رسانیده است. در حال حاضر دلیلی در کار نیست که اقتصاد ایران نتواند در طی ۲۲ سال آتیه نیز لااقل با همان آهنگ سالهای گذشته، رشد و توسعه یابد. مسلماً



ادامه رشد و توسعه قبلی مستلزم فداکاری بیشتر از جانب دولت و مردم است.

علاوه بر افزایش پس انداز و سرمایه‌گذاری، باید تدابیر لازم اتخاذ گردد که سرمایه‌ها در اجرای طرحهایی که توجیه اقتصادی کافی دارد بکار افتد و برای ازدیاد بازده و کارآئی این سرمایه‌گذاری حداکثر کوشش مبذول شود. افزایش سریع درآمد مردم ضمناً ایجاب میکند که سیاست عاقلانه‌ای در امر جمعیت اتخاذ گردد و با اجرای برنامه تنظیم خانواده و فاصله‌گذاری موالید، رشد جمعیت به حد متناسب آن تقلیل داده شود.

بیست و دو سال آینده را میتوان سالهای توسعه سریع و وسیع صنعتی ایران توصیف نمود. در این جریان تکاملی، بخش خصوصی بر اثر تشویق و ارشاد دولت، نقشی اساسی خواهد داشت و متدرجاً از حمایت‌های کنونی بر اثر انتقال از عهد کودکی به دوران جوانی، مستغنی خواهد گشت.

از مهمترین مسائلی که در برابر اقتصاد ایران در بیست و دو سال آینده مطرح خواهد بود ضرورت گسترش در بازارهای جهانی و



ورود در صحنه رقابت شدید بین‌المللی است. باصنعتی شدن وسیع کشور، دیگر نمیتوان به‌صورت چند کالای مصرفی قدیم یا حتی مصنوعات محدود جدید اکتفا کرد. توسعه روزافزون اقتصاد ایران ایجاب میکند که در مورد صنایع صادراتی در برابر صنایعی که فقط کالاهای جایگزین واردات را تولید میکنند تأکید بیشتر شود تا بتوان از این راه درآمد ارزی کافی بدست آورد و اتکاء اقتصاد کشور را به درآمد نفت کاهش داد.

علاوه بر اتخاذ تکنولوژی پیشرفته در صنایع ایران، باید در بخشهای دیگر فعالیت و خصوصاً کشاورزی نیز دانش و تکنیک جدید اشاعه یابد تا دوگانگی اقتصادی شدید میان شهر و روستا بکلی برطرف شود و تفاوت فاحشی که از نظر درآمد میان کشاورزان و شاغلان مشاغل دیگر بچشم می‌خورد مرتفع گردد. همراه با استفاده از تکنولوژی جدید از جمله در واحدهای کشت و صنعت، لازم است که در مناطق کشاورزی که به روش دیرینه عمل میکنند نیز تکنیک‌های تازه متدرجاً بکار برده شود و وسائل ایجاد درآمد و ازدیاد قدرت خرید از طریق احداث یا احیاء صنایع روستائی - ایجاد صنایع کشاورزی و حتی استقرار صنایع جنبی و تکمیلی که مرتبط با صنایع



بزرگ شهری باشد فراهم گردد زیرا نه فقط عدالت اجتماعی مقتضی ارتقاء سطح درآمد و معیشت روستانشینان و کشاورزان است بلکه توسعه صنایع و بطور کلی اقتصاد کشور نیز در گرو افزایش قدرت خرید و ازدیاد تحرك این طبقه انبوه و وسیع میباشد.

مسئله امکانات مالی کشور آنچنان نیست که بتوان ظرف يك دو برنامه چنین حالت متعادلی را بین شهر و روستا و یادر میان تمام مناطق کشور برقرار کرد اما اگر چنین اصلی به تأیید ملوکانه رسد و مبنای برنامه‌های بیست و دو سال آینده قرار گیرد، کوشش خواهد شد که سرمایه‌گذاری دولت بیشتر به فعالیتهای آموزشی - بهداشتی و درمانی - بیمه و رفاه اجتماعی - تأمین مسکن روستائی و دیگر اقدامات زیربنائی و خدمات عمومی خصوصاً در مناطق بالنسبه عقب مانده و در میان گروههای کم درآمد متوجه و معطوف گردد و در مقابل، سرمایه‌گذاریهای تولیدی و انتفاعی هرچه بیشتر - البته در چارچوب مصالح ملی و عمومی - به بخش خصوصی واگذار شود.

بدیهی است که واگذاری امور تولیدی به بخش خصوصی نه بلحاظ پیروی از فلسفه اقتصادی خاصی نظیر مکتب فکری سرمایه‌داری

است زیرا همانطور که شاهنشاه مکرراً تعلیم فرموده‌اند ایرانی باید راهی که مناسب گذشته و حال و آینده خود اوست اختیار کند. توجه به بخش خصوصی از بابت آن است که در جامعه آینده ایران باید کلیه نیروها و منابع، تجهیز شوند و از قدرت فکر و کار هر فرد، حداکثر استفاده بعمل آید تا نایل به هدفهای بلندی که در پیش است امکان پذیر گردد.

روشن است که بخش خصوصی نیز باید در برابر امتیازاتی که دریافت میدارد خود را در تحقق هدفهای ملی مسئول و شریک بداند و وظیفه خویش را در قبال سیاست اجتماعی مملکت بدرستی ادا کند.

جامعه آینده ایران آنچنانکه از تعلیمات ملوکانه برمی‌آید جامعه‌ای خواهد بود مرکب از انسانهای آزاد - مرفه - برابر و پیوسته و وابسته بیکدیگر. در این جامعه، دموکراسی سیاسی - اقتصادی و اجتماعی بصورت کامل تحقق خواهد یافت و وحدت ملی به نهایت قوت تجسم خواهد جست و همه افراد در قبال امور مملکتی احساس مسئولیت خواهند کرد. استفاده حداکثر از مجموع نیروها و کلیه منابع ملی به جامعه ایرانی قدرت آنرا خواهد داد که نه فقط به



ارضاء نیازهای مادی خود پردازد بلکه در زمینه‌های علمی و فنی و امور فرهنگی و معنوی نیز استعداد‌های خلاقه خود را بظهور رساند و به خلق آثار تمدنی تازه و صدور و نشر آن به نقاط دیگر عالم نیز کامیاب شود.

## شاهنشاهها -

اکنون کسب اجازه میکند که اجمالا هدفهای اساسی و خط‌مشی‌های کلی برنامه پنجم را تاب‌دان‌جا که از بررسی‌های مقدماتی در فلسفه انقلاب اجتماعی ایران و مطالعات اولیه اقتصادی بدست آمده - به عنوان گامهای نخستین در طریق يك برنامه درازمدت رشد اقتصادی و اجتماعی بعرض مبارك برساند تا اوامر شاهنشاه در این مورد نیز شرف‌صدور یابد.

لازمه ادامه رشد گذشته در برنامه عمرانی پنجم این است که نسبت پس‌انداز به تولید ناخالص ملی افزایش پذیرد. حصول این مقصود نیز مستلزم آن است که در سیاست بودجه‌بندی و در نظام مالیاتی - ارزی و پولی کشور تغییراتی داده شود بنحوی که صرفه‌جویی و پس‌انداز را در بخش عمومی و خصوصی و نزد عامه مردم توسعه دهد و دارندگان پس‌انداز تشویق شوند که منابع مالی خود را در داخل

کشور یا شخصاً بکار اندازند و یا از طریق بازار سرمایه اعم از بانک و بورس و غیر آن که لزوماً توسعه روزافزون حاصل خواهد کرد در اختیار سرمایه‌گذاران قرار دهند و باین ترتیب، تمام افراد مملکت در حرکت اقتصادی کشور شرکت داده شوند.

دولت ضمن ادامه نقش خود در راهنمایی - کمک فنی و تشویق سرمایه‌گذاران خصوصی و همچنین تجهیز پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در این بخش برای امور تولید و انتفاعی، درآمدهای رو به افزایش خود را بیشتر در امور عام‌المنفعه بکار خواهند انداخت. بمنظور ایجاد تحرك بیشتر در کلیه مناطق کشور و تحقق هدفهای انقلاب ایران در توزیع عادلانه‌تر درآمد و تأمین اشتغال برای نسل‌های روینده جوان، تغییر نقش سرمایه‌گذاری دولت و توجه بیشتر آن به طرحهای زیربنائی و اجتماعی که در سراسر کشور گسترده باشد ضرور است. از جمله طرح‌های مذکور میتوان از تنظیم انهار و شبکه‌ها و بهره‌برداری بیشتر و بهتر از منابع آب موجود و همچنین احداث راههای فرعی و روستائی و گسترش تاسیسات آموزشی و خصوصاً آموزشهای حرفه‌ای و فنی و تربیت معلم و نظائر آن نام برد.



برنامه پنجم برای اولین بار حاوی يك «سیاست هماهنگ و جامع اجتماعی» خواهد بود. مبانی این سیاست اجتماعی در شورای عالی امور اجتماعی که تحت ریاست فائقه علیا حضرت شهبانوی گرامی ایران بوجود آمده پی‌ریزی خواهد شد. همچنین برنامه مذکور اجرای سیاست فرهنگی را که مورد توجه خاص آن علیا حضرت است دستور عمل خود قرار خواهد داد.

در میان بخشهای تولیدی، چنانکه شاهنشاه تأکید فرموده‌اند، بخش کشاورزی از توجه خاصی برخوردار خواهد شد. سهم بخش کشاورزی از اعتبارات عمومی در برنامه عمرانی پنجم افزایش قابل ملاحظه خواهد یافت و اهمیاتی خاص بکار خواهد رفت که بازوان اقتصاد کشور به دهات دور و نزدیک گشوده و گسترده شود و نه فقط واحدهای کشت و صنعت بلکه شرکتهای تعاونی - شرکتهای سهامی زراعی و همچنین شعبه‌های مؤسسات اعتباری کشاورزی توسعه لازم حاصل کند. در برنامه پنجم سعی خواهد شد که با احداث راههای فرعی و روستائی، سیر کالاهای کشاورزی بمراکز مصرف تسهیل شود - بازاریابی بر اصول صحیح انجام پذیرد - قیمت محصولات کشاورزی تثبیت یا حمایت شود و برای ازدیاد درآمد و



قدرت خرید کشاورزان، صنایع روستائی و کشاورزی تعمیم یابد - خدمات ترویجی اشاعه داده شود. و دانش و فن جدید در قلب دهات رسوخ کند. و باین ترتیب طبقه دهقان نیز به تقویت و توسعه قشرهای متوسط که در حقیقت ستون فقرات اجتماع آینده ایران هستند یاری کند.

اما در عرصه صنایع چنانکه طی دورنمای بیست و دو ساله بعرض رسید بصنایع صادراتی توجه بیش از پیش خواهد شد تا ارز مورد نیاز روز افزون کشور که کمبود آن خطیرترین مسأله را پررشد اقتصادی کشور وحتى توسعه صنایع مطرح خواهد کرد از این طریق تأمین شود. بمنظور تحقق حد اکثر ارزش افزوده در داخل کشور، به صناعی که مصرف کننده مواد خام و از جمله مواد معدنی تولید شده در خود مملکت باشد بذل عنایت خواهد شد. از طریق راهنمائیهای فنی به صنایع موجود کمک خواهد شد تا هم منافع مصرف کنندگان داخلی را تأمین کنند وهم، قابلیت رقابت بامصنوعات مشابه خارجی داشته باشند.

اعطای مشوقهای لازم به بخش صنایع ضروری است ضمناً حمایت



پیش از حد دولت، قدرت بخش خصوصی را در رقابت در صحنه بین‌المللی تضعیف خواهد کرد. برای آنکه کارآئی بخش خصوصی در حد مطلوب باشد رقابت بالنسبه آزادی در بازار داخلی و خارجی ضروری است.

وارد شدن صنایع ملی در عرصه رقابت بین‌المللی، مستلزم آن است که نه فقط تغییرات اساسی در کیفیت سازمان و مدیریت و روش تولید صنایع ایران پدید آید و بهره‌وری و کارآئی این صنایع بعد اعلیٰ رسد، بلکه در اخذ تکنولوژی نوین از خارج و ایجاد و توسعه همین تکنولوژی در داخل کشور براساس تحقیقات و کاوشهای علمی و فنی در سطح ملی در رشته‌هایی که ایران برای آن مزیت نسبی دارد کمال مجاهدت مبذول گردد، چه فقط در این شرائط خواهد بود که رشد اصیل درونزای و توسعه مستمر و مداوم در اقتصاد ایران حاصل خواهد گشت.

بخش مهم دیگر معادن است که هم‌اکنون امکانات بالقوه وسیعی را عرضه میدارد و باید طی برنامه پنجم از این منبع و دیگر ذخائر طبیعی و زیرزمینی کشور حداکثر استفاده بعمل آید.

خط‌مشی‌های اساسی برنامه پنجم باین شرح بعرض می‌رسد: در بخش خدمات، خط‌مشی اساسی به ثمر رساندن انقلاب اداری است که چند سالی پیش از این، بنیاد آن بدست اعلیحضرت نهاده شده است. منطقی کردن سازمانها - ایجاد انعطاف بیشتر در دستگاههای اداری - تأمین همکاری نزدیک میان واحدهای ستادی و اجرائی - برقراری هماهنگی لازم خصوصاً در امور مربوط به کشاورزی و روستا و همچنین در زمینه‌های آموزش حرفه‌ای و فنی - شکل دادن به بعضی از فعالیتهای پراکنده نظیر حمل و نقل - اعمال نظارت و سنجش دقیقتر که تا حد امکان با استفاده از روشها و سیستم‌های مکانیزه توأم خواهد بود بنحوی که از هر واحد سرمایه‌گذاری حداکثر بازده بدست آید و طرحها با سرعت مورد نظر و بدون افزایش غیر معقول هزینه‌ها انجام شود. از جمله تدابیری است که در تغییر بنیادهای سازمانی مملکت اتخاذ خواهد گردید. در این نظارت و سنجش مسلماً به کیفیت سرمایه‌گذاری هم توجه خواهد شد تا در نتیجه طرحهایی که از جهات فنی و اقتصادی توجیه شده‌اند اولویت و تقدم حاصل کنند.

شك نیست که هدف اصلی انقلاب اداری علاوه بر تأمین عدالت



اجتماعی، تحقق موجبات پیشرفت سریعتر برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی ایران است و این مقصود وقتی جامه عمل می‌پوشد که همه سازمانهای دولتی و وابسته به دولت از انضباط برنامه‌ای تبعیت کنند و از هرچه موجب اتلاف منابع و صرف آن در راههای پیش‌بینی نشده و ناسنجیده گردد احتراز جویند و بدین ترتیب هدفهای برنامه را که مورد تأیید نظر ملوکانه قرار می‌گیرد با حداکثر استفاده از امکانات و منابع به ثمر رسانند.

از جمله خط‌مشی‌های دیگر برنامه پنجم، توسعه و تحکیم سازمانهای محلی و مشارکت دادن وجدانه مردم در امور مربوط بخویش چه در زمینه‌های عمومی و چه در عرصه‌های عمرانی خواهد بود. وجود سازمانهایی چون شرکتهای تعاونی - انجمنهای روستائی و شهری - انجمنهای شهرستان و استان و نظائر آن هم‌اکنون پایه‌های استواری بر تحقق هدف مزبور و حرکت به سوی عدم مرکزیت امور اداری و اجرائی است و بهمین مناسبت، نقش حکومت مرکزی متدرجاً در جهت برنامه‌ریزی کلی - برقراری ضوابط عمومی و اعمال نظارت و هماهنگی سیر و تحول خواهد کرد.

خط‌مشی مهم دیگر عبارت از پرورش نیروی انسانی بمقیاس وسیع در کلیه سطوح و در انواع رشته‌ها و همچنین استفاده صحیح و کامل از نیروی مذکور و خصوصاً متخصصان در رده‌های عالی است. بمنظور اخیر است که سازمان برنامه در طی برنامه پنجم برای تهیه و اجرای طرحها از دانش و فن مهندسان مشاور و پیمانکاران زبده ایرانی که طی ده سال اخیر در ارتباط با فعالیتهای عمرانی پرورش یافته و کارآمد شده‌اند استفاده بیش‌از پیش نموده و برهمکاری آنان اتکاء روزافزون خواهد کرد.

## شاهنشاهها - علیاحضرتا -

ثبات اجتماعی و سیاسی بی‌نظیری که ایران چون جزیره امنی در میان دریای متلاطم جهان آشفته امروز از آن برخوردار است - ثبات و امنیتی که ضامن دوام رشد و توسعه اقتصادی ایران و گسترش رفاه عامه مردم است - همه مرهون قدرت تدبیر و درایت بی‌مانند شخص شاهنشاه است و چنانکه بارها تأکید فرموده‌اند دوام پیشرفت سریع ایران، بدون وجود سیستم دفاعی کافی در جهان کنونی مقدور نیست.

مسئله توازن بین هزینه لازم برای توسعه و افزایش قدرت دفاعی



از یکطرف و سرمایه‌گذاری بمنتظور افزایش قدرت اقتصادی و بازده بیشتر جامعه از طرف دیگر امری است که بی‌شبهه در برنامه‌های میان مدت و طولانی دقیقاً باید مورد توجه قرار گیرد و پس از تعیین میزان احتیاجات دفاعی برای سالهای آینده، پیش‌بینی‌های لازم بعمل آید تا در طول مدت، کشور بتواند با استفاده از جمیع مقدمات خود هم از قدرت دفاعی کافی برخوردار باشد و هم پیشرفت اقتصادی و اجتماعی آن ادامه پیدا کند.

مسلم است که در جامعه هیچ زیربنائی نیرومندتر از روحیه آن جامعه و علاقه و صمیمیت مردم آن در پاسداری آرمانهای ملی و ارزشهای فرهنگ قومی نیست و مسلماً بمیزانی که همگان از ثمرات رشد اقتصادی بهره می‌برند و عدالت اجتماعی در میان عموم گسترش می‌پذیرد و تعلق به میراث تاریخی تقویت میشود، قدرت دفاعی جامعه نیز فزونتر میگردد. بی‌تردید يك اقتصاد قوی و اجتماع همبسته بهتر توانسته و میتواند منابع مورد نیاز نیروهای دفاعی مملکت را تأمین کند.

## شاهنشاها - علیاحضرتا -

بمنظور تحقق چنین جامعه‌ی نیرومند - بااقتصاد سالم و بارور است که طراحان و مجریان عمده‌ی برنامه‌های مملکتی بحضور شاهنشاه شرفیاب شده‌اند تاراهنمائی‌های ملوکانه را در هرزمینه اصفا کنند و اگر اوامر مبارك، شرف‌صدور یابد کار تهیه و تنظیم برنامه پنجم که فقط خطوط کلی آن در این مجمع تاریخی معروض شد بطور رسمی وجدی آغاز گردد.

در خاتمه‌ی عرائض خود از خداوند متعال مسئلت میکنند که شوکت و عزت شاهنشاه معظم و شهبانوی گرامی ایران را پایدار سازد تا ملت ایران نیز در سایه‌ی عنایات و مراحم آن اعلیحضرتین همواره از ثمرات و برکات انقلاب مقدس شاه و مردم برخوردار باشد.

